

# Three Heterodox Movements in the Seminary of Qom: Revisiting Interpretations of Imamate\*

Mohammad Taghi Yar Mohammadian<sup>1</sup>

## Abstract

Within the first century following the re-establishment of the Qom Seminary in 1922, three heterodox intellectual movements emerged. One of these, labeled as Iranian Salafism, which originated in Tehran, had a significant impact on the intellectual milieu in Qom. Its prominent figures—Hakamīzādih, Qalamdārān, and Burqī ī—challenged accepted Shi'ī doctrines regarding the Imamate and introduced a distinct Iranian form of Salafi thought during the first half of the century. By articulating and disseminating their views, these figures distanced themselves from the Shi'ī community. In the mid-century, another movement arose from within Qom, which, while maintaining distance from Sunni thought on the doctrine of Imamate, sought to diminish the status and attributes of the Imams and question their ritual veneration. Five tendencies are identified within this movement: politicization, *roshanfīkrī* (enlightenment) coupled with Westernization, extreme criticism of Imami *ḥadīth* corpus, radical historicism, and a call for inter-sectarian unity that involved abandoning certain Shi'ī beliefs. This reductionist approach, in its various forms and with varying degrees of intensity, relegated Imamate to a status closer to that of ordinary humans. A distinct third movement also emerged in the final three decades of the century, which, in contrast, exaggerated the beliefs concerning Imamate. This movement not only radicalized these beliefs but also integrated them with Sufi thought. The scholars of the Qom Seminary resisted all three movements by engaging in critical scholarly works and community development to counter these deviations and enlighten both intellectuals and the wider public. This paper draws on library-based research and adopts the methodology pertinent to the study of socio-intellectual movements. The reference point for deviation in the doctrine of Imamate is the *ḥadīthī-kalāmī* (traditional-theological) perspective on Imamate. The paper provides a descriptive overview of these three movements and examines the reformative responses of the scholars of the Qom Seminary to each.

**Keywords:** Imamate, Qom Seminary, Contemporary Iranian History, Iranian Salafism, Imam's Attributes, Imam's Status, *Taqṣīr* (Shortcoming), *Ghuluww* (Exaggeration)

## Research Article

Imāmah in the Light of the Qur'ān and Sunnah

First Year, Vol. 2, 2024

Publisher: Emamat International Foundation

ipj.emamat.org

Received: 2024/09/16

Revised: 2024/11/02

Accepted: 2024/11/27


Published Online: 2025/01/04



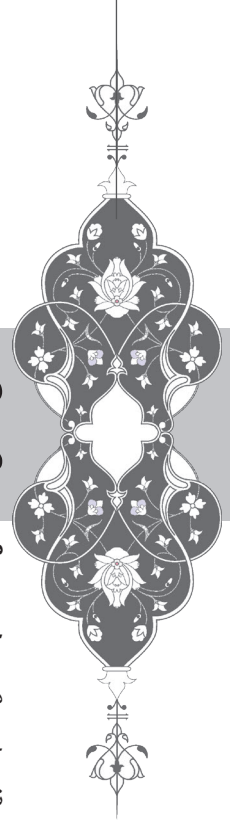
© the authors



\* Cite this article: Yar Mohammadian, M.T. (2024). Three Heterodox Movements in the Seminary of Qom: Revisiting Interpretations of Imamate. *Imāmah in the Light of the Qur'ān and Sunnah*, 1(2), p.297-341.

 <https://doi.org/10.22034/emamah.2025.489154.1054>

1. Level IV Graduate, Expository Imamate Studies, Center for the Study of Imamate; the Academic Association of Imamate, Seminary of Qom, Iran yaraeameh@gmail.com



## بازشناسی سه جریان کژاندیش امامت در حوزه علمیه قم\*

محمد تقی یارمحمدیان<sup>۱</sup>

### چکیده

در سده نخست بازتأسیس حوزه علمیه قم، سه جریان کژاندیش در آن به وجود آمد. جریان سلفی‌گری ایرانی که در تهران پایه‌گذاری شده بود، به قم رخنه کرد و در نیمه نخست این سده حکمی‌زاده، قلمداران و برقی دست به شکستن مرزهای شیعی امامت زده و اندیشه سلفی را در قالب ایرانی آن پایه‌گذاری کردند. آنان با ابراز و نشر این اندیشه، خود را از جامعه شیعی جدا کردند. در اواسط این سده، جریان دیگری از قم برخاست که ضمن تحفظ بر مرزبندی با اندیشه اهل تسنن در باب امامت، سعی بر فروگاهی مناصب، صفات و مقامات امام و شعائر مرتبط با آن را داشت. این جریان با پنج طیف سیاست‌زدگی، روشنفکری و غرب‌گرایی، نقادی افراطی اسناد حدیثی امامیه، تاریخ‌گرایی افراطی و نیز وحدت‌زدگی به معنای دست‌کشیدن از برخی اعتقادات شیعی شکل گرفت. جریان فروگاه، به شکل‌های مختلف و با شدت و ضعف فراوانی که در فروگاهی دارد، امامت را به امامتی دست‌پایین و حتی گاه در حد بشر معمولی تنزل می‌دهد. جریان متفاوتِ سومی هم در سه دهه پایانی سده نشأت گرفت که با غلوگرایی در امامت‌باوری، تندروی در ابراز باورها و شعائر امامت، و یا با اندیشه‌های صوفیانه به فعالیت پرداختند. عالمان حوزه علمیه قم در

### مقاله پژوهشی

دوفصلنامه امامت  
در پرتو قرآن و سنت

سال اول، شماره ۲، ۱۴۰۳

ناشر: بنیاد

بین‌المللی امامت

ipj.emamat.org

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵



© نویسندگان

\* استناد به این مقاله: یارمحمدیان، محمدتقی (۱۴۰۳)، بازشناسی سه جریان کژاندیش امامت

در حوزه علمیه قم، امامت در پرتو قرآن و سنت، (۱)، ۲، ص ۲۹۷-۳۴۱.

<https://doi.org/10.22034/emamah.2025.489154.1054> doi

۱. دانش‌آموخته سطح چهار امامت تبیینی، مرکز تخصصی امام‌شناسی، انجمن علمی امامت

حوزه، قم، ایران.

yareaemeh@gmail.com

مقابل هر سه جریان ایستاده و طی اقدامات علمی فرهنگی، به روشنگری و نقد پرداختند. این پژوهش طی تحقیقی کتابخانه‌ای با روش جریان‌شناسانه و نیز با نگاه کلامی - حدیثی مسئله امامت، به معرفی توصیفی و اجمالی این سه جریان و اشاره به عملکرد اصلاحی حوزه علمیه قم نسبت به هریک از آنها پرداخته است.

واژگان کلیدی: امامت، حوزه علمیه قم، تاریخ معاصر ایران، سلفی‌گری ایرانی، صفات امام، مقامات امام، تقصیر، غلو

## ۱. مقدمه

حوزه علمیه قم در قرن سوم و چهارم با وجود شخصیت‌های بزرگی مانند ابراهیم بن هاشم قمی (م پس از سال ۲۵۰ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (زنده در سال ۲۷۴ق)، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ق)، سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ق)، علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ق)، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ق)، علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۲۹ق) محمد بن حسن بن ولید قمی (م ۳۴۳ق) و شیخ صدوق محمد بن علی بابویه قمی (م ۳۸۱ق) و برون داد آثار مهمی مانند بصائر الدرجات، کافی، الامامة و التبصرة من الحيرة، من لایحضره الفقیه و کمال الدین و تمام النعمة در اوج شکوه حدیث امامیه و از جمله امامت پژوهی با رویکرد حدیثی قرار گرفت. ولی پس از وفات شیخ صدوق علیه السلام رفته‌رفته در اوایل قرن پنجم رو به افول گرایید. در ابتدای سدهٔ اخیر برای بار دیگر حوزه علمیه قم به دست آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی علیه السلام و همکاران و شاگردان ایشان، این بار بر پایهٔ دانش فقه و اصول بازتأسیس شد. این سرآغاز با تغییر قدرت در نظام حاکمیت و روی کارآمدن دیکتاتور دست‌نشانده، رضاخان میرپنج و آغاز سلسلهٔ نافرجام شاهنشاهی پهلوی مصادف شد. رضاخان که چند سال پس از به قدرت رسیدن، باورهای اصیل شیعی خود را از دست داده بود، به کژاندیشانی همچون بابیان، بهائیان، غربزدگان، جریان فراماسونری و تجددگرایان دینی فرصت تصاحب مناصب سیاسی و فرهنگی و نیز میدان فعالیت علمی را برای ترویج این‌گونه اندیشه‌ها فراهم کرد. او نه تنها خود به این‌گونه اندیشه‌ها رو آورد،



بلکه سیاست‌های کلان کشور را به همین سو سوق داد و فرهنگ و باورهای جامعه شیعی ایران را به تباهی کشاند و با حوزه علمیه قم، مرجعیت و روحانیت، احکام دین و شعائر مذهبی به ویژه با شعائر امامت به مخالفت و ستیز پرداخت. به نظر می‌رسد، همان انحرافات امامت که در تهران توسط عالمان درباری و هم‌فکران در حال نهادینه شدن بود، به قم هم رخنه کرد و افرادی در حاشیه حوزه علمیه قم به آن دامن زدند و این رگه انحرافی در قم با فرازوفرودهایی به شکل‌های گوناگون تا پایان سده نخست حوزه امتداد پیدا کرده است.

تاکنون پژوهش‌هایی درباره جریان‌های معاصر ایران مانند کتاب جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، نوشته رسول جعفریان و جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، اثر عبدالحسین خسروپناه منتشر شده و در آنها اشاره‌های پراکنده‌ای به امامت پژوهی شده است. اما این دست نوشته‌ها مشتمل بر همه شهرهای ایران، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، و همه موضوعات است و به حوزه علمیه قم و موضوع امامت اختصاصی ندارند. آثاری هم که به بازشناسی جریان‌های فکری قم پرداخته‌اند، مانند کتاب روحانیت و تجدد با تأکید بر جریان‌های فکری سیاسی حوزه علمیه قم، نوشته عبدالوهاب فراتی و جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم، اثر سید محسن طباطبایی فریا به امامت اختصاص ندارند و یا به بازشناسی کامل و طیف‌بندی جریان‌های کژاندیش نپرداخته‌اند و کتاب‌هایی هم که به اندیشه‌های امامت اختصاص دارد، مانند جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان با تأکید بر مسئله امامت در سده اخیر، نوشته محمدجعفر رضایی به قم ارتباط ندارند. از این رو در جستجوهای انجام شده، پژوهشی که به جریان‌شناسی کژاندیشی در امامت پژوهی و امامت‌باوری در حوزه علمیه قم در سده اخیر اختصاص داشته باشد، به دست نیامد.

هدف این پژوهش آن است تا با نوعی جریان‌شناسی تاریخی‌گونه با روش کتابخانه‌ای، و با توجه به محتوای اندیشه کلامی - حدیثی امامت و باورهای مرتبط با آن، به تبارشناسی کژاندیشی امامت در قم از سال ۱۳۰۱ تا ۱۴۰۰ شمسی پرداخته و به فعالیت‌های حوزه



علمیه قم در مقابل این جریان‌ها اشاره شود. از این رو ابتدا نگاهی گذرا به «بنیان‌ها و بنیان‌گذاران انحراف در امامت» افکنده خواهد شد تا بستر شکل‌گیری کژاندیشی در امامت شناسایی شود. سپس در عنوان «شکل‌گیری جریان منحرفان امامت در قم»، فرایند رخنه و رشد این جریان در قم و اکاوی خواهد شد. آنگاه در عنوان «جریان فروکاهان اندیشه امامت در قم» به بررسی نوع رقیق‌تری از کژاندیشی امامت، در پنج طیف گوناگون پرداخته می‌شود و در پایان گونه‌ای کژاندیشی کاملاً متباین و متفاوت با دو جریان پیش، با عنوان «غلوگرایان و جریان‌های تندرو» معرفی خواهد شد. لازم به توجه است که در این نوشتار منظور از واژه «شیعه»، شیعه امامیه اثناعشریه و تاریخ‌ها همه براساس هجری خورشیدی است؛ مگر در مواردی که تاریخ هجری قمری با علامت «ق»، مشخص می‌شود. نام‌بردن از هیچ شخص، مؤسسه و مرکز علمی یا کتاب و نگاشته‌ای، به معنای تأیید کامل یا رد آن نیست. اندیشه‌ورزانی در پژوهش حاضر قمری به حساب آمده‌اند که حداقل مدتی را در قم به تحصیل یا تدریس پرداخته‌اند و عالمان اصیل، خوشنام و شناخته‌شده حوزه علمیه، غالباً با القاب رسمی حوزوی یاد می‌شوند؛ اما اشخاصی که از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران یا حوزه علمیه قم مطرود یا دچار خودطرودی شده‌اند، بدون لقب نام برده می‌شوند. همچنین هیچ‌گونه انگیزه سیاسی یا جانبداری شخصی و حزبی در تحلیل‌ها، تأییدها و نقدهای نام‌برندگان دخیل نیست و صرفاً به دنبال گزارشی واقع‌بینانه پیرامون افراد و جریان‌هایی هستیم که به مقدار کم یا زیاد از امامت کلامی حدیثی شیعه فاصله گرفتند؛ گاهی اساساً از این خط اصیل جدا، و گاهی دچار تقصیر شده و اندکی از آن دور شدند و یا افراط کرده و از آن پیشی گرفتند.

## ۲. بنیان‌ها و بنیان‌گذاران انحراف در امامت

در این نوشتار جریان منحرفان به افرادی گفته می‌شود که از اندیشه امامت کلامی امامیه که به امامت باوری حداقلی بسنده کرده و با امامت سایر مذاهب، مرزبندی خود را در امامت مشخص می‌کند، خارج شدند و به اندیشه اهل تسنن و سلفیه

نزدیک شده‌اند. مرز امامت شامل انتصاب الهی امام، افتراض معرفت و طاعت، برائت، علم ویژه، عصمت، افضلیت و اعتقاد به امامت بلافصل ائمه اثناعشر و مهدویت شخصی است. مهم‌ترین بنیان‌های شکل‌گیری انحراف در امامت را می‌توان در پنج رخداد گسترش و نفوذ فرقه شیخیه، بابیه و بهائیه از یک قرن پیش از شکل‌گیری حوزه علمیه قم (نجفی، ۱۳۸۳؛ خسروپناه، ۱۳۹۰: ۳۲۱-۳۶۴؛ نبوی رضوی، ۱۳۹۶؛ افضلی، ۱۳۹۷)،<sup>۱</sup> توسعه نفوذ تشکیلات فراماسونری و تأثیرگذاری آن به ویژه در دو حکومت پهلوی (نجفی، ۱۳۸۳؛ خسروپناه، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۹؛ نجفی و حقانی فضل، ۱۳۸۸: ۵۴۵-۵۷۱)، پدیده شوم عالمان درباری و قرارگرفتن آنان در پیش‌برد اهداف رژیم پهلوی (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۵-۲۷۶)، اختلالات روان‌شناختی شخصیتی و وجود ردائل اخلاقی در برخی چهره‌های منحرفان (ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۳۳-۵۴) و پیشینه فقر و تنگدستی در برخی از آنان (همان: ۱۵-۳۲؛ برقی، ۱۳۸۷) جستجو کرد. ویژگی‌های روان‌شناختی و اخلاقی فردی که نقش مهم آنها در انحرافات کمتر مورد توجه واقع شده، به همراه سایر عوامل، زمینه را فراهم می‌کرد تا سرکرده‌های منحرفان امامت به تدریج تحت تأثیر اندیشه‌های جریان‌های فاسدی همچون فراماسونری، بهائی و غرب‌زدگی قرار بگیرند؛ ابتدا خود دچار استحاله فکری فرهنگی شوند و سپس دانسته یا نادانسته در خدمت اهداف رژیم پهلوی یا اهداف سلطه‌جویان جهانی پشت این جریان‌ها درآیند. عامل بسیار مهم دیگر در پیدایش این جریان، خطای روشی در فهم آموزه‌های امامت بود. آنان به لحاظ روشی دچار شش خطای اساسی شدند که عبارتند از: عقل‌گرایی افراطی به معنای حل مسائل به دید عقل ریاضی و تجربه (جعفریان، ۱۳۸۷: ۹۲۰)، نگاه عرفی افراطی به آموزه‌های دین (برقی، ۱۳۸۷: ۲۱۷؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۹۲۶)، قرآن‌بسنده‌گی (برقی، بی‌تا: ۴۷-۸۲؛ طباطبایی، بی‌تا؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۹۱۵)، حدیث‌گریزی (برقی، ۱۴۱۹؛ طباطبایی، بی‌تا)، توجه افراطی و نادرست به دوران نخست اسلام، تکیه بر رفتار صحابه در دهه‌های

۱. می‌توان بابیت و بهائیت را بزرگ‌ترین انحراف در امامت شیعه در دو قرن اخیر در ایران دانست که به لحاظ انحرافات عقیدتی، آسیب‌های سیاسی فرهنگی و همچنین روشن‌کردن آتش درگیری و جنگ و ایجاد شکاف در جامعه، آسیب‌های گسترده‌ای ایجاد کرد. شیخیه که ریشه و زمینه‌ساز بابیت و بهائیت بود نیز بعدها به این آسیب‌ها دامن زد.

نخست اسلام (نبوی رضوی، ۱۳۹۶: ۵۸۹/۲-۵۹۵)، اخذ اندیشه از سلفیان و وهابیان و مرجع قراردادن منابع اهل تسنن.

بنیان‌گذاران انحراف در امامت را نه در قم، بلکه باید در تهران جستجو کرد. به ترتیب شیخ هادی نجم‌آبادی، سپس شاگرد خاص او، سید اسدالله خرقانی و در امتداد خرقانی شاگرد وی، شریعت سنگلجی هم‌زمان با آغاز حکومت دیکتاتوری رضاشاهی و بازتأسیس حوزه علمیه قم، در تهران بنیان‌گذاران نوعی تفکر وهابی‌گرایانه در مورد امامت و شعائر آن شدند. در این میان نقش شریعت سنگلجی بیش از دیگران نمودار است. استاددیدیگی در محضر پایه‌گذاران جنبش به اصطلاح «اصلاح دین»، یعنی نجم‌آبادی و خرقانی، و میوه‌چینی زحمات آنان از سویی، صمیمیت و روابط وثیق با رضاشاه و رجال سیاسی کشور از سوی دیگر و استحاله فکری رأس قدرت کشور رضاشاه و گرایش او به افکار انحرافی مانند غرب‌گرایی، بهائی‌گری، فراماسونری، مخالفت با شعائر شیعی و سازمان روحانیت سه عامل مهم در پیشی‌گرفتن سنگلجی و رشد فزاینده افکار او در مقایسه با اساتید وی بود. در این میان، شاید بتوان مهم‌ترین عامل گسترش این تفکر را پیوند اندیشه سنگلجی و مشت آهنین رضاشاهی دانست. نزدیک به دوپست سال پیش از سنگلجی، اتصال و ترکیب اندیشه و قدرت، در دوران محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود در سال ۱۱۵۷ق. در نجد عربستان، سبب توسعه اندیشه وهابیت شد. در ایران نیز اندیشه‌های وهابی‌گری توسط نجم‌آبادی و خرقانی پایه‌گذاری و پراکنده شده بود؛ اما آن وقتی این افکار رواج یافت که سنگلجی آن را با قدرت سلطنتی رضاخانی درآمیخت. در این روزها به زعم آنان عقاید شیعه مانند رجعت، معراج، زیارت، شفاعت، گریه، مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام و... شرک خوانده می‌شدند و حسینیه‌ها، زیارتگاه‌ها و مشاهد مشرفه ائمه اطهار علیهم السلام و امامزادگان، بت‌خانه نامیده می‌شدند و شریعت سنگلجی بت‌شکن زمان و یگانه منادی توحید شده بود. عالمان و دلسوزان دین از نگاه سنگلجی «اراذل و جهله مردم و کسانی که رائحه توحید را استشمام نکرده بودند و مرتزقین از موهومات و شیادان و شیاطین انس» خوانده می‌شدند (شریعت



سنگلجی، ۱۳۸۶: مقدمه). سنگلجی تفکرات ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب را به زبان فارسی و اخلاقی خوش و عوام فریب و با روش و حال و هوایی شیعی بازنشر می داد. وی کتاب توحید عبادت، یکتاپرستی را که در حقیقت بازنویسی از کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب است، به نگارش درآورد. محورهایی از کتاب، خرافه و شرک خواندن توسل به اهل بیت علیهم السلام، زیارت ایشان، نذر برای آنها، صدازدن اهل بیت علیهم السلام، خضوع و خشوع در برابر آنها، مرقدسازی بر روی قبور اهل بیت علیهم السلام و مسافرت به جهت زیارت ایشان است. بدین ترتیب، این اندیشه از دهه نخست قرن، هم زمان با بازتأسیس حوزه علمیه قم در تهران انتشار پیدا کرد و در دهه دوم از لحاظ نظری توسط سنگلجی و از لحاظ عملی توسط حکومت رضاخانی گسترش یافت.

### ۳. شکل گیری جریان منحرفان امامت در قم

جریان منحرفان امامت خود را با عناوینی چون پاک دینی، مسلمانی، اصلاح دین، خرافه ستیز، موحدان و قرآنیان معرفی می کنند (برقی، ۱۴۳۵: ۱۲) و از نظر بیرون جریانی به سلفی گرایان ایرانی، وهابیت وطنی، قرآنیان (قرآن بسندگان) و گاهی دگراندیشان، شبه سلفیان، تجدیدنظرطلبان و یا شیعیان التقاطی نام گذاری می شوند.<sup>۲</sup>

۱. آنان می گویند ما نه شیعه هستیم و نه سنی، بلکه پیرو اسلام راستینی هستیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش بر آن بودند (ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۷ و ۲۹-۳۴؛ همو، ۱۳۹۵: ۳۴؛ کسروی، ۱۳۲۲: ۳؛ شریعت سنگلجی، ۱۳۸۶: مقدمه؛ نبوی رضوی، ۱۳۹۶: ۱۱/۱-۱۳؛ برقی، بی تا (د): ۳۶ و ۳۸؛ همو، ۱۴۱۹: مقدمه؛ طباطبایی، بی تا (ب)).

۲. عنوان گذاری این جریان دچار یک نابسامانی است و تاکنون پژوهشگران به صورت سلیقه ای آن را نام گذاری کرده اند. هر دسته به اعتبارهای گوناگون در انتخاب عناوین تحقیقاتشان، واژه های متفاوتی را برگزیده اند. با این حال به نظر می رسد، در دهه پایانی سده که اندیشمندان منتقد سلفیان عربستان، در نام بردن آنان، از عنوان «وهابیت» به عنوان «سلفی» عدول کردند. این جریان نیز که وام دار و انتشاردهنده اندیشه آنان در بطن جامعه شیعی بود، به «سلفی گری ایرانی» مشهورتر شدند و این عنوان از بسامد بیشتری در بین متخصصان منتقد این اندیشه برخوردار شد (برای نام گذاری های سلیقه ای گوناگون، ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲؛ چگینی، ۱۳۹۶؛ محمدی فام، ۱۳۹۷؛ کیانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ جبرئیلی و کرمی بروجنی، ۱۳۹۶: ۷/۵۱-۲۴؛ کتابخانه مجازی الفبا، <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=14&GID=185960>؛ تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶؛ فقهی زاده و هادیان، ۱۳۹۸؛ ۱۵۷/۳۸-۱۸۸؛ ملک زاده، ۱۳۹۶). ID&=225198



جریان انحرافی امامت تا ابتدای شکل‌گیری حوزه علمیه در سال ۱۳۰۱، حضور قابل توجهی در قم نداشت؛ اما نزدیکی این شهر به تهران و چشم‌داشت به جایگاه معنوی شهر مقدس قم از سویی و روابط، رفاقت‌ها و خویشاوندی‌های بین منحرّفان تهران و برخی طلاب و عالمان قم از سوی دیگر، سبب شد تا پس از تشکیل حوزه علمیه، مناسباتی بین قم و تهران برقرار شود. این مناسبات سبب شد تا جریان انحرافی در قم نیز هرچند بسیار اندک، ولی نفوذ کند. طبیعتاً این جریان نمی‌توانست در سطح عالمان و بزرگان قم جایی برای خود پیدا کند؛ اما در بین برخی طلاب، این امکان فراهم بود. به هر ترتیب، پس از نفوذ در قم با گذشت چند دهه از بازتأسیس حوزه قم کار جریان انحرافی به انتشار نشریه‌های انحرافی هم بالا کشید. وجود برخی اسناد، حاکی از ریشه‌دواندن و گسترش جریان منحرّفان، در دهه پیش از انقلاب در اواسط قرن چهاردهم در قم است (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳: ۳۷۰).

سرآغاز انحراف امامت در قم تا اندازه‌ای با علی اکبر حکمی‌زاده نمودار شد؛ وی حوالی سال ۱۲۸۵ در خانواده‌ای از اهل علم و مشهور به زهد و تقوا در شهر قم چشم به جهان گشود. با تلاش پدرش، عالم وارسته حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ مهدی پایین‌شهری قمی (م ۱۳۲۰) مدرسه علمیه رضویه قم که آن زمان ویران شده بود، ساخته شد و طلاب در آن اسکان یافتند. شیخ مهدی که استاد اخلاق شناخته شده‌ای بود، ریاست مدرسه را برعهده داشت و برخلاف تفکر منحرّفان تهران، به مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام بسیار اهمیت می‌داد و روضه‌های مفصلی در مدرسه رضویه برپا می‌کرد. پدر بزرگ مادری علی اکبر، آیت الله سید ابوالحسن طالقانی و دایی او سید محمود طالقانی بود که با علی اکبر هم سن و سال و دوست صمیمی بودند. علی اکبر با خواهر عالم وارسته، آیت الله میرزا علی اصغر اشعری قمی ازدواج کرد.<sup>۱</sup> او

گفتنی است استاد فریدونی در نقد این جریان، از پیشتاژان و پیشکسوتان بودند و حدود ۴۵ سال به رویارویی با آنان مشغول بودند، همواره در درس‌ها و جزوات خود آنان را «وهابیت وطنی» می‌نامیدند.

۱. این عالم ربانی، از دوستان، هم‌درسان و هم‌مباحثه‌ای‌های امام خمینی علیه السلام در ایام تحصیل بود و شدت علاقه امام به ایشان به حدی بود که وقتی از پاریس به میهن بازگشتند، به منزل وی رفتند، با او دیدار کردند و استمرار آن عالم مجاهد را بر ساده‌زیستی ستودند. امام درباره آیت الله میرزا علی اصغر اشعری

سه دوره را در زندگی خود تجربه کرد؛ دوره خوش عقیدگی که مخصوص ایام جوانی و طلبگی او بود. وی در ایام طلبگی در همان مدرسه علمیه رضویه حجره داشت و با آیت الله سید حسین بُدْلا و دایی خود، سید محمود طالقانی هم حجره‌ای بود. کمی آن طرف‌تر در «ایوان مانندی که یک متر در یک متر و در گوشهٔ دالان مدرسه واقع بود و خادم مدرسه جارو و سطل خود را در آنجا می‌گذاشت» (برقی، ۱۳۸۷: ۱۰) به طلبه‌ای دوازده‌ساله، به نام سید ابوالفضل برقی، جایی برای اسکان داده بودند. در این دوره علی‌اکبر تحصیلات طلبگی را به خوبی پشت سر گذاشت و توانست تألیفاتی از جمله حاشیه بر کفایة الاصول آخوند خراسانی رحمته‌الله به نگارش درآورد و در روضه‌های پدرش در حضور آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته‌الله، مؤسس حوزه علمیه قم، و اعظام حوزه به منبر برود. دورهٔ دوم، آغاز گمراهی تا انکار بسیاری از عقاید شیعی است. آن زمان آیت الله سید ابوالحسن طالقانی در تهران جلسهٔ تبلیغات دینی و مذهبی را اداره می‌کرد که در منزل حاج عباسقلی بازرگان (پدر مهندس مهدی بازرگان) برگزار می‌شد. در ایام حجره‌نشینی که آقای سید محمود طالقانی به تهران آمد و شد داشت، علی‌اکبر نیز همراه دایی خود سید محمود، پایش به تهران که آن روزگار مملو از اندیشه‌های تجدیدنظرگرایانه شده بود، باز شد و در این جلسات شرکت می‌کرد.<sup>۱</sup> به تدریج در تهران با سید احمد کسروی

قمی فرمودند: «من با... آیت الله میرزا علی اصغر اشعری قمی و جد ایشان آخوند ملامحمد طاهر قمی درس می‌خواندیم و مدت ۴۶ سال با آیت الله میرزا علی اصغر، هم درس و هم مباحثه و رفیق بودم و در خلال این ۴۶ سال، یک مکروه هم از ایشان ندیدم.» ایشان در سال ۱۳۶۵ وفات کرده و در شهر مقدس قم، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام به خاک سپرده شد (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۸: ۶۷/۳-۶۸).

۱. آقای بدلا که به همراه سید محمود طالقانی و علی‌اکبر حکمی زاده به این جلسات رفت و آمد داشت، راجع به محتوای آن می‌گوید: «از جمله کارهای سید ابوالحسن طالقانی این بود که دعوت می‌کردند از تمام رجال نامی آن زمان، چه ایرانی و چه خارجی که در این مجلس شرکت کنند؛ و این مجالس کاملاً آزاد بود و از همهٔ گروه‌ها می‌آمدند و در گوشه‌وکنار مجلس می‌نشستند و دربارهٔ همه چیز با هم مخفیانه صحبت می‌کردند و مثلاً از افرادی مانند غلام‌احمد قادیانی که از هند می‌آمد و همانند کسروی مرتد بود و یک مذهب جدیدی اختراع کرده بود دعوت می‌کردند تا سخنرانی کند.» به گفتهٔ جعفریان (همو، ۱۳۸۷: ۴۱۱) آقای بُدْلا با خاطراتی که نقل کرده، سرخ‌های نفوذ افکار روشنفکری دینی را در محفل عباسقلی بازرگان با حضور پدر مرحوم طالقانی، آقای [سید محمود] طالقانی و حکمی زاده، نشان داده است (ر.ک: بدلا، ۱۳۷۸: ۳۶).



رفاقتی پیدا کرد؛ تاجایی که کسروی هم به حجره او در قم می آمد. کم کم تردیدها و نقاط انحراف در علی اکبر لانه دوانید و گه گاهی این انحرافات را در منبرهای مدرسه رضویه بر زبان جاری ساخت. از سال ۱۳۱۲ می کوشید تا با جمعی از طلاب تحول خواه به سبک رضاخانی، ماهنامه ای را منتشر کند. در سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ به مدت یک سال توانست، همراه با آیت الله بدلا و ناشری به نام محمد همایون پور، ماهنامه «همایون» را در قم منتشر کند. پیش از انتشار مجله، خبر انتشار آن در نشریه «پیمان» که متعلق به کسروی بود، تبلیغ شد. ابتدا مقالاتی در این نشریه چاپ می شد که به دنبال شناسایی مشکلات جامعه، رنگ و آب دادن علمی و عقلی به آموزه های دین، بهداشت و تطبیق آن با اسلام و اتحاد مسلمانان بود؛ حتی برخی مانند آیت الله ابوالحسن طالقانی، آیت الله سید مصطفی خوانساری و خود آیت الله بدلا هم در آن مقاله نوشتند. مقالاتی هم پیرامون اصلاح دین، یا اصلاح منبر و روضه خوانی چاپ شد. حکمی زاده نیز مقاله ای در راستای اندیشه کسروی پیرامون زبان فارسی با عنوان «زبان خنثی» نوشت و بر ضرورت دورریختن واژگان خارجی از زبان فارسی تأکید داشت؛ اما منظور، بیشتر حذف واژگان عربی بود که رنگ و بوی دینی داشت. به تدریج مقالاتی با انحرافات اساسی در این نشریه نمایان شد. در سال ۱۳۱۳ حکمی زاده مقاله ای با عنوان «بت پرستی» در آن چاپ کرد و در لفافه زیارت مضاجع ائمه اطهار علیهم السلام و احترام و توسل به آنان را شرک خواند و مورد نکوهش قرار داد. شاید به درستی بتوان ادعا کرد که این نخستین جسارتی بود که رسماً در عرش آل محمد علیهم السلام در قم به اهل بیت علیهم السلام انتشار می یافت و برای نخستین بار، اندیشه های ضد امامت شیعی در قم کلید خورد. پس از انتشار این دست مقالات، نزاع هایی پیش آمد که به تعطیلی نشریه همایون منجر شد. حکمی زاده هم لباس روحانیت را از تن درآورد و ارتباط خود را در تهران با کسروی محکم تر کرد و به درس شریعت سنگلجی و جلسات منزل عباسقلی بازرگان نیز می رفت و خلاصه هم فکران خود را در تهران پیدا کرد و روزبه روز به آنان نزدیک و نزدیک تر می شد. در سال ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ آقای سید محمود طالقانی نیز که تازه دروس سطح و کفایه را تمام کرده بود،

دروس حوزه قم را رها کرد و به سوی تهران شتافت و خود را به حلقه درس شریعت سنگلجی و جمع رفقا رساند. این زمان علی اکبر به طور کلی استحاله فکری شده بود و بسیار تحت تأثیر اندیشه‌ها و روش کسروی و نیز شریعت سنگلجی قرار گرفته بود و البته همگی در خدمت سیاست‌های رضاخانی قرار گرفته بودند. پس از شهریور ۱۳۲۰ که رضاخان از ایران خارج شد، این گروه پشتوانه سیاسی و قدرت خود را از دست دادند. اوضاع فکری جامعه اندکی از اختناق خارج شد، فضای دین و مذهب دوباره رونق گرفت و میدان برای عالمان و روحانیت بازتر شد. کسروی و حکمی‌زاده که با آزادی روحانیت، اندیشه خود را در عمل شکست خورده دیدند، از فضای آزادی بیان سوء استفاده کرده و شدت عمل بیشتری در ابراز اندیشه‌های خود نشان دادند.<sup>۱</sup> ابتدا حکمی‌زاده در شهریور و مهر ۱۳۲۲ جزوه‌ای را با عنوان «اسرار هزارساله» به ضمیمه نشریه شماره ۱۲ پرچم که متعلق به کسروی بود، منتشر کرد. آنگاه پس از پنج ماه کسروی در بهمن همان سال کتاب شیعی‌گری را با همان محتوا، ولی به قلم تندوتیز خودش چاپ کرد. حکمی‌زاده در این جزوه با مطرح نمودن سیزده پرسش برخی مسائل امامت و شعائر و باورهای شیعی را به گمان خودش به چالش کشید. وی معتقد بود، دین به انحراف کشیده شده و او مدعی اصلاح دین است. وی حاجت خواستن از پیغمبر و امام و شفاخواستن از تربت و سجده کردن بر آن و ساختن گنبد و بارگاه‌ها را شرک دانست و نوشت که اگر اینها شرک نیست، پس چه تفاوتی با شرکی که این همه اسلام و قرآن با آن جنگیده، دارند؟! وی اصل بودن امامت را زیر سؤال برد و پاداش‌های بزرگ زیارت که در احادیث تشریح شده بود را باور نکردنی می‌انگاشت. وی عملکرد روحانیت و عالمان و نیز حکومت و ولایت فقیهان در زمان غیبت را نیز نمی‌پذیرفت. اینها همگی همان اصلاحات مذهبی است که رضاخان در راستای سیاست انگلیس و غربی‌سازی کشور در پیش گرفته

۱. به ویژه کسروی که هیچ حریمی را نگه نمی‌داشت و تقریباً از دین خارج شده بود و حتی به نوعی ادعای پیامبری هم داشت. وی رسماً ادعای پیامبری به معنای مصطلح آن نکرد؛ ولی خود را منادی مکتبی تازه می‌دانست (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۷: ۸۹۴).



بود (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۸). جزوه اسرار هزارساله حکمی زاده سروصدای فراوانی ایجاد کرد و عالمان قم و تهران برای پاسخ به آن به تکاپو افتادند؛ به گونه‌ای که برای پاسخ به آن، نسبت به کتاب کسروی بیشتر تلاش شد. این رفتار از آن خاطر بود که اولاً، حکمی زاده خود یک طلبه و تا همین چندی پیش در کسوت عالمان بود. ثانیاً، وی از یک خانواده اصیل علم و تقوا و پرآوازه بود و چنانچه ضربه‌ای به این کانون می‌خورد، اندیشه‌های ناب شیعی در اذهان عمومی دچار تزلزل می‌گشت. شیخ محمد خالصی زاده کشف الاستار را به صورت شخصی به نگارش درآورد که با کج سلیقگی‌هایی که او داشت، مورد پسند عالمان حوزه قم قرار نگرفت و پیغام برای جمع‌آوری آن فرستادند (همان: ۵۱). پاسخ‌نامه اسلامی را همت‌آبادی و آیین جعفری را هادی نوری در پاسخ نوشتند. در نهایت تصمیم حوزه برای نگارش نقد، منجر به تألیف کتاب کشف الاسرار توسط امام خمینی علیه السلام شد (بدلا، ۱۳۷۸: ۱۹۹-۲۰۲). به نظر، امام خمینی علیه السلام نگارش کتاب را هم وظیفه شخصی خود تشخیص داده بود؛ چنان‌که در گزارش سید احمد خمینی هست<sup>۱</sup> و هم عالمان و زعیمان حوزه از ایشان خواسته بودند؛ چنان‌که در روایتگری آیت الله جعفر سبحانی آمده است (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۹۶/۴). امام یکی دو ماه درس‌های خود را تعطیل کرد و به نوشتن پاسخ مشغول شد و یک‌سره در حال نگارش بود (همان). ابتدا در یکی دو چاپ نخست، نام خود را به جهت پرهیز از شهرت بر کتاب ننوشتند. استحکام پاسخ او در نگاه بزرگان تا آنجا بود که مورد پسند همه قرار گرفت و در آن بازه زمانی، پاسخ رسمی حوزه قم به اسرار هزارساله دانسته شد (بدلا، ۱۳۷۸: ۲۰۲). سید هادی خسروشاهی، روزی با اصرار سبب تألیف این کتاب را از امام خمینی علیه السلام جويا شد تا از زبان خودشان بشنود. ایشان فرمود:

یکی از طلاب قم که اگر درس می‌خواند، می‌توانست عنصر مطلوب و فاضلی بشود، ولی متأسفانه درس را تعطیل کرد و به علت نقص معلومات، دچار

۱. خمینی، سید احمد، تصمیم امام برای نگارش کشف اسرار، پرتابل امام خمینی، [imam-khomeini.search](http://imam-khomeini.search.ir/fa/search?language=fa&documentTypes=&txt=&all_clause=&view=list)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۲۵

انحراف شد... درس و بحث را تعطیل کرد. اصولاً اغلب کسانی که در مذهب دچار عوجاج شده و به فرقه‌سازی پرداخته‌اند، عناصر «نیمچه ملا» بوده‌اند. یعنی یک روایتی را دیده‌اند و دومی را ندیده‌اند و دچار شبهه شده‌اند...<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام در ابتدا کتاب را از فتنه و هابیت آغاز و این نکته را گوشزد می‌کند: اندیشه‌هایی که در این سال‌ها در ایران انتشار یافته، نظریه تازه‌ای نیست و گفته‌های ابن تیمیه، ابن جوزی و محمد بن عبدالوهاب است و پاسخ‌های آنها نیز داده شده؛ ولی امثال این نویسنده [حکمی زاده] از آن بی‌اطلاع‌اند و گمان کرده‌اند که شاهکار کرده‌اند (خمینی، بی‌تا: ۴-۵).

باید گفت این نشان‌دهنده نفوذ و رواج عقاید سلفی‌گرایانه نجم‌آبادی، خرقانی و شریعت سنگلجی و شاگردان آنان است. دوره سوم زندگانی حکمی زاده دوره ترس و انزواست. او پس از پاسخ امام خمینی علیه السلام نامه‌ای به ایشان نوشت و از پاسخ امام، اظهار قانع شدن و بی‌غرضی کرد (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۹۶/۴). ولی به نظر می‌رسد اگرچه اندکی هم قانع شده باشد، اما با توجه به انتشار خبر قتل کسروی در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۲۴، بیشتر ترس سبب ارسال چنین پیغامی شده است. به هر ترتیب، هیچ سندی از پیگیری افکارش گزارش نشده و او باقی‌مانده عمرش را در تجارت و مرغداری سپری کرد و در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۶۶ از دنیا رفت.

در کنار حکمی زاده در این سال‌ها، سید ابوالفضل برقی، همان طلبه نوجوان ساکن در گوشه ایوان مدرسه رضویه که اکنون از اساتید حوزه علمیه قم و نجف شده بود و از مراجع و بزرگانی همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حجت کوه‌کمره‌ای، سید ابوالقاسم کاشانی و شیخ عبدالنبی اراکی اجازه اجتهاد داشت (برقی، ۱۳۸۷: ۳۲۶-۳۳۷)، در حال استحاله فکری بود. هرچند او در حوالی سال‌های ۱۳۳۰ افکار و باورهایش تغییر کرده بود، ولی تا اواخر دهه چهل هنوز بروز جدی از خود نشان نداده بود. در این میان، جوان ۲۷

۱. خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی، پرتابل امام خمینی، <http://www.imam->

khomeini.ir/fa/c۱۳-۱۵۶۳۳۰، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۲۵.



ساله‌ای به نام حیدرعلی قلمداران در سال ۱۳۱۹ به قم آمد. او که به طور رسمی از طلاب حوزه علمیه نبود، تحت تأثیر این اندیشه قرار گرفت و در اواخر دهه سی، نخستین افکار انحرافی خود را ابراز کرد. حکمی‌زاده در ابتدای دهه دوم، نخستین جرعه انحرافی امامت را در قم زد؛ ولی در حقیقت برقی و قلمداران، بنیان‌گذار و گسترش‌دهنده اندیشه سلفی برخاسته از قم بودند و با یکدیگر رابطه هم‌افزایی و حمایت داشتند. قلمداران نزدیک به ده کتاب و مقاله در این راستا به چاپ رساند که مهم‌ترین آنها سه کتاب ارمغان آسمان، شاه‌راه اتحاد و راه نجات از شر غلات است. برقی پرکارترین و دانشمندترین نظریه‌پرداز این جریان، بیش از ۷۶ اثر دارد که برخی مربوط به دوران پیش از انحراف و برخی پس از این سال‌ها نوشته شده است. از مهم‌ترین آثار وی که انحراف امامت در آنها انعکاس یافته، نه کتاب درسی از ولایت، اصول دین از نظر قرآن، خرافات وفور در زیارات قبور، رهنمود سنت در رد اهل بدعت، بررسی خطبه غدیریه، نقد المراجعات و الرد علیها، تضاد مفاتیح الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی و بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول است.

در امتداد این جریان، اشخاصی در تهران، تبریز و اصفهان با شدت و ضعف همین اندیشه را دنبال کرده و به القای شبهات تکراری، ولی با رنگ و لعاب جدید پرداختند. باید توجه داشت که هرچند با تلاش عالمان و محققان حوزه و دانشگاه تا اندازه‌ای از گسترش این اندیشه جلوگیری شده است، ولی امتداد اندیشه‌های آنان همچنان سعی بر گسترش و جذب نیرو دارد. در این راستا، نباید از شبکه‌های نفوذ بیگانگان نیز غافل ماند. حوزه علمیه قم هنوز تجربه تلخ «احمد الکاتب»، نویسنده کتاب ضد شیعی تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوری الى ولاية الفقيه که در آن، امامت الهی مورد تردید قرار گرفته و وجود امام زمان عجل الله فرجه و مهدویت انکار شده بود را فراموش نکرده است.

جریان منحرفان امامت که دیگر سنی‌زده شده بود و قرابت فکری عمیقی با وهابیت عربستان پیدا کرده بود، در مسائل امامت به اندیشه‌های انحرافی همچون

انکار اصل باوری امامت و حتی فرع بودن آن،<sup>۱</sup> انکار حجیت امام و انحصار حجت در نبوت و عقل (همان: ۱۱۰)، عدم وجود اصل امامت شیعی در قرآن و انکار و ردّ امامت منصوصه (قلمداران، ۱۴۳۵: ۳۹)، انکار دلالت واقعه غدیر بر امامت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام (همان: ۴۰) و از سوی دیگر، گرایش به غاصبان امامت و اثبات وجوب تبعیت از شیخین (همان: ۴۳)، نفی هرگونه درک و فهم برای امام پس از وفات (همان) و شرک دانستن مواردی همچون حاجت خواهی از امام در امور غیر عادی نه حوایج دنیوی معمولی (برقی، ۱۳۸۷: ۱۱۰؛ همو، بی تا (ه))، زیارت ائمه اطهار علیهم السلام (همان)، خواندن و صدازدن امامان علیهم السلام (همان)، ساخت حرم و گنبد و بارگاه برای مضجع شریف امام (شریعت سنگلجی، ۱۳۸۶: ۱۵۰؛ برقی، ۱۳۸۷: ۱۵۰؛ همو، بی تا (د))، تبرک و نذر برای امام (شریعت سنگلجی، ۱۳۸۶: ۱۶۲)، انکار برخی مناصب، صفات و مقامات امام همچون ولایت تکوینی و هرگونه قدرت فرابشری برای امام (همان؛ قلمداران، ۱۳۹۵)، علم ویژه برای امام (قلمداران، ۱۳۹۵: ۳۳؛ برقی، ۱۳۹۴: ۱۶۵ و ۱۷۷) و نیز انکار رجعت و مهدویت شخصی (برقی، بی تا (ب))، رو آورد (موسوی، ۱۴۰۲؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۲؛ ملک زاده، ۱۳۹۶؛ همو، ۱۴۰۱).

حوزه علمیه قم در سطح مراجع و اندیشمندان در راستای نقد و مبارزه با اندیشه‌ها، روش‌ها و راهبردهای نادرست جریان منحرفان امامت، به روشنگری‌هایی دست زد. وقتی در آثار به جا مانده و خدمات زعما و مراجعی همچون آیت عظام صدرالدین صدر، مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی یا اندیشمندانی مانند آیات عظام صدرایی اشکوری، علی احمدی میانجی، علی دوانی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی، ابراهیم امینی، رضا استادی، سید محسن خرازی می‌نگریم، به آثار فراوانی در دفاع و تبیین صحیح اندیشه صحیح امامت شیعی و نقد این اندیشه برمی‌خوریم. در این میان، رجعت که از زمان شریعت سنگلجی همواره از سوی این جریان انکار می‌شد، هم‌زمان از دوره زعامت مؤسس حوزه علمیه قم، آیت الله حائری یزدی رحمته الله،

۱. برقی می‌نویسد: «مقام امام و امامت را مقام رهبری و راهنمایی به سوی دین می‌دانم. یعنی امام تابع دین است و مروج آن، نه اصل دین و نه فرع آن است. دین مجموعه‌ای است از قوانین اصول و فروع، و هر امامی باید تابع و مبلغ آن باشد.» (برقی، ۱۳۸۷: ۷۹-۷۹ و ۱۶۸؛ همو، ۱۳۸۷: ۳۴)

مورد توجه ویژه قرار گرفت و رجعت نویسی پای ثابت نگارش های عالمان قم شد. علاوه بر آن، در دو دهه پایانی این سده، فضلالی حوزه، اساتید دانشگاه و طلاب و دانشجویان نو قلم نیز در قالب پایان نامه، مقاله و کتاب، نقدهای قابل توجهی در «نقد اندیشه سلفی گری ایرانی» به رشته تحریر درآوردند.

#### ۴. جریان فروکاهان اندیشه امامت در قم

معیار و ملاک فروکاهی در امامت، حفظ مرزهای امامت کلامی امامیه و کاستن از مناصب، صفات و مقاماتی است که در قرآن و منابع معتبر حدیثی امامیه برای امام بیان شده است. از این رو جریان فکری فروکاهان امامت به افرادی گفته می شود که برخلاف جریان منحرفان، تا اندازه ای به نصب الهی ائمه اثنا عشر علیهم السلام و افتراض طاعت امام معتقدند و برخی صفات امام مانند علم و عصمت را نیز به صورت کلی پذیرفته اند؛ ولی در ماهیت، کیفیت و گستره مناصب، صفات و مقامات امام، چون و چرایی دارند. آنان امام را عاری از صفات فرابشری دانسته و مراتب والای ائمه اطهار علیهم السلام که در قرآن و احادیث کتاب های معتبر امامیه بیان شده است را در حد انسان های عادی فرومی کاهند. فروکاهان در مواجهه با مقامات امام، از اموری مانند خلقت نوری، خلقت ویژه بدنی، ولایت تکوینی و معجزات امام استبعاد کرده و بسیاری را بر نمی تابند. این جریان صفاتی مانند علم ویژه و عصمت امام را به صورت حداقلی و محدود می پذیرند و از این رو گاه این صفات را باورهای غالیانه انگاشته اند یا آنها را برساخته دست اصحاب، یا قرآن گریز یا عقل ناپذیر و یا برگرفته از سایر ملل و اندیشه های باستانی می دانند. برخی از اینها مستندات حدیثی این دست از صفات و مقامات امام را مورد تردید قرار داده و برخی به توجیه های غیر قابل قبول رو آورده اند. این گروه اگرچه اجمالا به امامت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام معتقدند، ولی گذشته از طرح، اما و اگرهایی در برخی از مستندات آن، در مسئله برائت و لعن غاصبان امامت و دشمنان ولایت و نیز در شعائر امامت تردیدهای بسیاری می کنند. باید توجه داشت که این گروه به لحاظ روشی نیز به



خطا رفته و در تعارض گزارش‌های تاریخی و حدیثی یا تعارض عقل عرفی و فهم بشری با گزارش‌های حدیثی، از عقل عرفی و گزاره‌های نادرست یا توجیه‌پذیر تاریخی جانبداری کرده‌اند. آنان در مباحث رجالی و ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی منابع و اسناد حدیثی نیز غالباً به خطا رفته‌اند (قربانی زرین، ۱۳۹۳). این گروه سعی بر پیشینه‌سازی‌های کهن برای اندیشه خود دارند. از این‌رو ریشه اندیشه خود را به عصر حضور و وجود این‌گونه اندیشه‌ها در میان اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام یا عالمان مدرسه کلامی بغداد مستند می‌کنند.

باید توجه داشت که جریان فروکاهان، برخلاف جریان منحرفان که از یک انسجام فکری و روشی درون‌جریانی برخوردارند، به لحاظ روش‌شناختی یا مبانی علمی و فکری چندین طیف و شاخه‌اند. آنها در فروکاهی از باورهای امامتی نیز یکسان عمل نکرده و بسته به میزان و محدوده فروکاهی مناصب، صفات و مقامات امام، دارای مراتبی هستند که گاه فروکاهی آنان به قدری اندک است که لازمه مبناى علمی آنان فروکاهی است و حتی به کاهش مقامات امام تصریح نمی‌کنند و نزدیک به خط حدیثی امام‌شناسی باورورزی می‌کنند و گاه به قدری در فروکاهی از مقامات امام افراط کرده‌اند که نزدیک به جریان منحرفان شده‌اند. همچنین توجه به این نکته ضروری است که در برخی طیف‌های فروکاهان، انگیزه‌ها و علل متفاوتی برای فروکاهی وجود دارد. گاه صرفاً به خاطر یک مبناى علمی و بدون آرایش دست به فروکاهی زده می‌شود و گاه انگیزه‌هایی مانند رسیدن به مطامع مادی، وادادگی‌های سیاسی، تلافی‌جویی، پیروزی بر رقیب، انتقام‌گیری، جبران شکست‌های شخصی و حزبی و یا عقده‌گشایی، تسکین حس تنفر و کینه‌توزی است. به هر ترتیب، نه دستیابی به این انگیزه‌ها کار آسانی است و نه نگارنده به دنبال کشف آنهاست، ولی باید توجه داشت که انگیزه‌های خوب و بد تأثیری در انجام فروکاهی ندارد و حتی ممکن است دانشمند بزرگ و وارسته‌ای از سر انجام وظیفه و صرفاً با مبانی علمی دست به فروکاهی بزند و یا اتخاذ مبناى علمی او در برخی علوم، مستلزم فروکاهی شود.



نکته دیگر، تداخل طیف‌های فروکاهان در یکدیگر است. گاه فروکاهان ابعاد شخصیتی متفاوت و گوناگون دارند یا در برهه‌های متفاوت زندگی خود در طیف‌های مخصوص به آن دوره حضور دارند و در مواردی این تداخل ناشی از آن است که شخص به خود اجازه داده در هر تخصصی ورود پیدا کند. به هر روی در برخی شخصیت‌های فروکاه نمی‌توان او را به آسانی در یک طیف مشخص جاگذاری کرد و ممکن است فردی در دو یا چند طیف جا بگیرد.

از این رو، در فروکاهی به لحاظ مبانی علمی و فضای رشد و مکتب فکری، روش، انگیزه و میزان فروکاهی و از ضرب انواع و اقسام آنان و تداخل طیف‌ها در یکدیگر، آنقدر مراتب و تفاوت وجود دارد که به سختی می‌توان آنان را طبقه‌بندی کرد و شاید چنانچه گفته شود که به تعداد فروکاهان، دیدگاه فروکاهی وجود دارد، سخن به گزافه نیست.

لازم به تصریح و تأکید است که دو جریان منحرفان و فروکاهان، اگرچه در مواردی با یکدیگر روابط و مناسبات فکری و بیناجریانی داشته‌اند، مطالبی را از یکدیگر اخذ کرده و گاه در حمایت از هم اقدام کرده‌اند؛ ولی در هر حال نباید آن دو را خلط کرد؛ چراکه مرز و میز امامت شیعی که اصول و ارکان مشترکی در میان عالمان تشیع دارد، تا حدودی در جریان فروکاهان حفظ و مراعات می‌شود.

ظهور آشکار اندیشه فروکاهی در حوزه علمیه قم به میانه سده و انتشار کتاب شهید جاوید، اثر شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی بازمی‌گردد. کتاب با موضوع نهضت حسینی به نگارش درآمده بود. نگاهی که این کتاب به مخاطب ارائه می‌داد، مستلزم انکار علم و ویژه امام معصوم و در نتیجه فروکاهی مقام علمی و نفی علم امام به حوادث آینده بود. فضای اصلی حوزه قم این نظریه را برنتابید و بیش از بیست نقد بر آن نوشته شد. از جمله آیت‌الله صافی گلپایگانی کتاب شهید آگاه، آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی و شهاب‌الدین اشراقی با همکاری یکدیگر کتاب پاسداران وحی، آیت‌الله استادی کتاب بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید، علامه طباطبایی

رساله علم امام، آیت الله علی پناه اشتهاوردی کتاب هفت ساله چرا صدا در آورد؟ و آیت الله سید احمد فهری کتاب سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام را به رشته تحریر درآوردند. آیت الله مشکینی از اساتید قم که ابتدا بر کتاب شهید جاوید تقریظ نوشته بود، از آن دست کشید، ولی برخی به تأیید و دفاع از آن پرداختند. آیت الله حسینعلی منتظری که ارتباط وثیقی با نویسندۀ کتاب و جریان فروکاهان داشت، از تقریظی که بر این کتاب نوشته بود، دست بردار نبود و همچنان بر حمایت از کتاب پا می فشرد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۹۴۰).

در همین حوالی، آیت الله سید ابوالفضل نبوی حسینی قمی (م ۱۳۷۰) کتاب *امراء هستی*، در حکومت چهارده معصوم بر جمیع موجودات را منتشر کرد. هم زمان که صالحی نجف آبادی علم امام را نشانه گرفته بود، جریان منحرفان نیز به ابراز اندیشه های خود پرداختند و دست به نقد تند کتاب *امراء هستی* زدند. برقی که تا آن زمان، هنوز در میان مراجع تقلید و علمای بزرگ جایگاه شایانی داشت، کتاب درسی از ولایت را منتشر کرد و در آن، مقامات و صفات الهی امام همچون ولایت تکوینی، علم ویژه را نشانه می گرفت. در همین گیرودار قلمداران نیز راه نجات از شر غلات را در نقد *امراء هستی* نوشت و هر دو به نویسندۀ آن القابی ناروا داده و وی را مشرک خواندند (قلمداران، ۱۳۹۵: ۳۴، ۵۰، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۶۴؛ برقی، ۱۳۹۴: ۵۴، ۶۱-۶۲). عالمان اصیل قم هم در مقابل، نهضت «ولایت تکوینی نویسی» و «علم امام نویسی» را راه اندازی کردند. خلاصه آنکه در دهه پنجاه این دو مسئله و سایر مقامات امام، کشاکش میان عالمان و اندیشمندان حوزه علمیه قم از یک سو و جریان منحرفان و فروکاهان از سوی دیگر شد. هم زمان در کنار فروکاهانی که در کسوت روحانیت بودند، روشنفکرانی با تحصیلات دانشگاهی در غرب، مانند دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان و سید ابوالحسن بنی صدر هم با مبانی و روش های مخصوص خود به این موج دامن زدند.

هرچند اندیشه ها و شخصیت فروکاهان در مواردی بسیار درهم تنیده است، ولی با اندک مسامحه ای می توان آنها را در پنج طیف دسته بندی کرد:

## ۴-۱. فروکاهان سیاسی

این نوع فروکاهی در دو بخش سیاست‌ورزی و نظریه‌پردازی سیاسی شایان پژوهش است. رجال سیاسی برای فروکاهی در امامت انگیزه‌های گوناگونی مانند جلب توجه مردم و آرای آنان، فروکاهی مقام امام برای توجیه عملکرد حزب خود، فروکاهی برای پذیرش اندیشه‌های سیاسی در افکار عمومی و استفاده از موقعیت سیاسی برای طرح دیدگاه‌های علمی دارند. باید توجه داشت که در نظام سیاسی حکومت شیعی، سطح‌والای امامت اهل بیت علیهم‌السلام، انتظارات جامعه را از رجال سیاسی بالا می‌برد و مطالبات اجتماعی ایجاد می‌کند. از راه‌هایی که برخی سیاسی‌ها برای برون‌رفت از این چالش‌ها پیش می‌گیرند، پایین آوردن شأن امام معصوم و یا شیوه حکومتداری اوست. از آستانه انقلاب تا اوایل دهه ۶۰، کشمکش‌هایی که تا چند سال پیش، بر سر صفات و مقامات امام از دهه ۵۰ آغاز شده بود، در سطح حوزه و کشور تقریباً خاموش شد و جنجال‌ها و طرح‌تئوری‌های سیاسی، جای این‌گونه بحث‌ها را گرفت. با این حال، قائم‌مقام رهبری وقت، حسینعلی منتظری که با افرادی مانند صالحی نجف‌آبادی و سید ابوالفضل برقی ارتباطاتی داشت، با تردید در ماجرای فدک و کم‌اهمیت‌انگاری ماجرای سقیفه و امامت، تا حدودی رگه‌های این اندیشه را اینجا و آنجا نشان می‌داد.<sup>۱</sup> در دهه دوم انقلاب اندک‌اندک خط فکری فروکاهان سیاسی امامت، در میان سیاستمدارانی که روابط نزدیکی به خط منحرفان و فروکاهان فکری داشتند، شکل گرفت و از اواخر دهه ۷۰ بار دیگر این‌گونه بحث‌ها آغاز شد که این بار بیشتر رنگ و بوی سیاسی پیدا کرده بود. طرفداران جبهه دوم خرداد از شعار سید محمد خاتمی، ریاست جمهوری وقت، مبنی بر «آزادی بیان و آزادی سیاسی» سوء استفاده کردند و در مطبوعات، ضد پاره‌ای از اصول و مسائل دین و از جمله امامت منصوص الهی مطالب بسیاری نوشتند. ریاست جمهوری

۱. منتظری، حسینعلی، «متن درس‌هایی از نهج البلاغه آیت الله منتظری»، مکتوب و چاپ شده توسط دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، آذرماه ۱۳۵۹، نامه حضرت علی علیه‌السلام به عثمان بن حنیف. نیز رک: به عنوان خبری: تا کی با هم بر سر خلیفه اول بجنگیم؟، آدرس: <http://www.ensafnews.com/7113/>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۴.



خود دیدگاه اهل سنت درباره غدیر را مورد تأیید قرار داد و واژه «مولا» در حدیث غدیر را به معنای محبت و دوستی دانست و سید محمدعلی ایازی، عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم و از فعالان سیاسی خط اصلاحات نیز همین نظریه را تقویت کرد.<sup>۱</sup> با اینکه خط سیاسی فروکاه برای مدتی آرام گرفت، ولی دوباره از دهه ۹۰ با تشکیل دولت جدید، همین بحث‌ها اندکی جان تازه گرفت و مسئله عصمت امام از سوی شخص ریاست جمهوری وقت حسن روحانی، زیر سؤال رفت<sup>۲</sup> و بار دیگر عده‌ای از فعالان همین جریان سیاسی، با این اندیشه‌ها هم‌نوایی کردند.<sup>۳</sup> تفاوت این موج جدید با موج‌های پیشین در این بود که این بار چنین باورهایی به میان جامعه آمده بود و در فضای مجازی در بین جوانان و مردم دست به دست می‌شد و حرمت اهل بیت (علیهم‌السلام) را در میان بخشی از جامعه شکست. در بخش نظریه‌پردازان، مهدی حائری یزدی در کتاب حکمت و حکومت که نظریه حاکمیت سیاسی‌اش را با مبانی فلسفی بنیان نهاده بود، امامت را امری مقدس و الهی دانست و بر همین اساس، آن را از نظام حکمرانی و حکومت بر مردم کاملاً جدا کرد و هرگونه حاکمیت و سیاست و تشکیل حکومت را خارج از این امر مقدس دانست. وی معتقد بود، مردم در امامت قدسی هیچ نقشی ندارند؛ ولی تعیین حاکم، برعهده مردم است (حائری یزدی، بی‌تا: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۹۲، ۱۹۴ و ۱۹۵). نتیجه این تفکیک نادرست، به جز جداکردن دین از سیاست، صواب‌انگاری کنارگذاشتن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و نیز تأیید بخشیدن حق حاکمیت سیاسی از سوی مردم به غاصبان امامت است. براساس این نظریه، حاکمیت سیاسی که حضرت علی (علیه‌السلام) پس از

۱. ر.ک: عنوان خبری: تحریف غدیر در بهار، آدرس: <https://tn.ai/175650/>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸؛ خاتمی و غدیر، آدرس: [www.manbarak.ir/tag](http://www.manbarak.ir/tag)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸؛ تفسیر جدید لیبرال‌های مسلمان از «غدیر» فقط «دوستی»، حکومت و ولایت در کار نیست!، آدرس: <https://www.mashreghnews.ir/news/888744>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۲۱.

۲. ر.ک: عنوان خبری: وقتی امام زمان (عجل‌الله‌فرجه‌عنه) ظهور کرد، آن وقت هم می‌شود نقد کرد، آدرس: [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳.

۳. ر.ک: <https://www.mashreghnews.ir/news/888744>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۲۱؛ [www.mashreghnews.ir/news/777533](http://www.mashreghnews.ir/news/777533)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۲۱.

۲۵ سال به دست آورد، به نحو وکالت از جانب مردم به ایشان سپرده شده است. حوزه علمیه قم در مقابل کژی‌های نظریه‌پردازان یا کژی‌هایی که از سوی رجال و احزاب سیاسی به شیوه علمی مطرح می‌شد، بدون ملاحظه مقام و حزب وابسته، به شکل کتاب، مقاله و سخنرانی آنها را به نقد کشید. از باب نمونه، آیت الله شیخ محمد کرمی در دهه ۶۰ در مقاله‌ای دیدگاه قائم مقام رهبری وقت، حسینعلی منتظری پیرامون ماجرای فدک را نقد کرد. نمونه دیگر، نقد نظریه حاکمیت سیاسی مهدی حائری یزدی در کتاب حکمت و حکومت بود که اندیشمندان حوزه، نقدهایی بر آن منتشر کردند.<sup>۱</sup> شیوه غالب سیاست‌ورزان، اظهاراتی بود که در مصاحبه‌ها، دیدارها و تجمعات سیاسی، در سطح عمومی جامعه مطرح و باز نشر می‌شد. از این رو فروکاهان سیاسی به ندرت آثار مکتوب و منسجمی پیرامون امامت به دست دادند. در شیوه سخنوری راه برای پنهان‌کاری یا فرافکنی بازتر است؛ در نتیجه نقد علمی آن نیز دشوارتر می‌شود. با این حال، اندیشمندان قم موشکافانه اندیشه‌های فروکاهان را اصطیاد و به نقد آنها در سطح عمومی جامعه، در قالب بیانیه، یادداشت و سخنرانی پرداختند.

#### ۲-۴. فروکاهان روشنفکر و غرب‌گرا

در این پژوهش، حوزویانی فرنگ‌دیده هستند که جاذبه‌های اندیشه غرب، آنان را به خود جلب کرده و در تحلیل مسائل امامت، از مبانی رشته‌های علمی دانشگاه‌های غربی استفاده می‌کنند. افرادی مانند محمد مجتهد شبستری، مهدی حائری یزدی، عبدالکریم سروش و سید حسین مدرسی طباطبایی در این ردیف جا می‌گیرند. در مواردی این طیف، با فروکاهان سیاسی و فروکاهان تاریخی، ارتباط تنگاتنگی دارند؛ به گونه‌ای که گاه یک شخصیت را می‌توان در هر سه طیف و بیشتر قرار داد. به هر

۱. از مهم‌ترین این نقدها می‌توان به سیری در مبانی ولایت فقیه اثر آیت الله جوادی آملی، حکومت حکیمانه اثر آیت الله محمد مؤمن قمی (م ۱۳۹۷)، حکمت حکومت فقیه اثر آیت الله حسن ممدوحی (م ۱۳۹۹) و حکمت حکومت اثر آیت الله سید محمد مهدی میرباقری اشاره کرد. گفتنی است این نقدها عمدتاً به بخش سیاسی آن توجه داشته و از مبانی امامتی کمتر بحث کرده‌اند.

روی، معیار در این گروه جایگاه و شخصیت علمی افراد و مبانی و شیوه اندیشه‌ورزی آنان است که در موارد متعددی با آمیخته‌ای از سه اندیشه شیعی، غربی و سنی همراه با نوعی افراط‌گری در عقل عرفی و تجربی و نیز اندیشه مدرنیته‌سازی دین، درباره آموزه‌های دینی اندیشه‌ورزی می‌کنند. برخی از آنان که بیشتر در مباحث دین پژوهی و فلسفه دین اظهار نظر می‌کنند، اثر مستقلى در باب امامت ندارند و گاه در خلال اظهار نظرها یا آثار دین‌پژوهانه خود، به صورت پراکنده، گریزی هم به امامت می‌زنند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۳۴۶، ۴۶۲ و ۵۱۹). با این حال، برخی در نگاشته‌هایی با تمرکز بیشتر، به مسائل مرتبط با امامت پرداخته‌اند. محسن کدیور که از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه قم بود و به شدت تحت تأثیر اندیشه صالحی نجف‌آبادی و برقی قرار گرفته بود، جریان هیاهوهای سیاسی انتهای دهه ۷۰ به غرب رفت و تحت تأثیر کتاب مکتب در فرایند تکامل اثر سید حسین مدرسی طباطبایی، با طرح نظریه «علمای ابرار»، اندیشه فروگاهی مقامات را در مقالاتی تئوریزه و به‌روزرسانی کرد. کدیور در این زمینه سه نوشته قرائت فراموش شده، نقدی بر منابع اعتقادی و نقد مجازات سبب النبى را منتشر کرد. پیش‌تر عبدالکریم سروش همین اندیشه را با مبانی خود در مورد حکومت دموکراتیک دینی پیوند زده بود. در این دسته می‌توان از دو اثر دکتر سروش با عنوان‌های قبض و بسط تئوریک شریعت و بسط تجربه نبوی نام برد. باید توجه داشت که پیشکسوتان غیر حوزوی این تفکر، پیش‌تر در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در تهران، این شیوه از اندیشه‌ورزی را پی‌ریزی کرده و آثاری را مانند تشیع علوی و تشیع صفوی، امت و امامت و اسلام‌شناسی سه نوشته دکتر علی شریعتی، روضه خوانی، سیری کوتاه در تاریخ مبارزاتی تشیع و تداوم عاشورا و پدیده پیامبری چهار اثر از مهندس مهدی بازرگان، تعمیم امامت و اصول راهنمای اسلام دو نوشته سید ابوالحسن بنی‌صدر پدید آورده بودند.

حوزه علمیه در مقابل بیکار نشست. اندیشمندانی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله جعفر سبحانی از پیش از انقلاب اسلامی به نقد این افکار پرداختند. پس از انقلاب با تأسیس مراکز

علمی نظیر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام و مؤسسه امام صادق علیه السلام و اندیشمندان نسل دوم نظیر احمد احمدی، علی ربانی گلپایگانی، حسن طارمی راد، عبدالحسین خسروپناه، محمدتقی سبحانی و محمدحسن قدردان قراملکی و نیز پژوهشگران جوان، این اندیشه‌ها به نقد کشیده شد و کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در نقد این اندیشه پدید آمد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۰۳). بخشی از نقدها به طور کلی اندیشه‌ها و روش‌های غربی را نقد کردند و بخشی دیگر مانند کتاب عبدالکریم سروش تشیع و امامت اثر محمدحسن قدردان قراملکی و نقدهای حسن طارمی راد و محمدتقی سبحانی بر کتاب مکتب در فرایند تکامل به امامت اختصاص پیدا کرده است. با این حال، در زمان کنونی که امامت به یک رشته تخصصی تبدیل شده، نمی‌توان به این مقدار بسنده کرد و هنوز جای پژوهش‌ها و نقدهای تخصصی و مسئله‌محور در این زمینه بسیار محسوس است.

### ۳-۴. فروکاهان حدیث پژوه

احادیث امامیه بارها در عصر حضور، غیبت صغرا و اوایل غیبت کبرا در کوفه و قم، به دست رجالیان بزرگ و حدیث‌شناسان ژرف‌نگری همچون کلینی، صدوق، طوسی و پیش‌تر به دست رؤسا و شیوخ سخت‌گیر قمی مانند احمد بن محمد بن عیسی و ابن‌ولید قمی اعتبارسنجی و پالایش شد و آنچه در جوامع حدیثی معتبر و معروف شیعه مانند کتب اربعه در دست ماست، غربال‌شده احادیث امامیه است. برخی پس از هزار سال دوباره به فکر افتادند که این احادیث پالایش‌شده را مورد نقادی سندی قرار دهند. باید توجه داشت که عالمان و اندیشمندانی براساس مبانی دقیق علمی و با انگیزه‌های خالصانه دست به این کار زدند. برخی مراجع معظم تقلید و اصولیان از سویی خبر واحد را در اعتقادات حجت ندانسته و از دیگر سو، در اسناد احادیث منابع معتبر امامیه مانند کتاب کافی مناقشه کرده و بر مبنای اعتبارسنجی راوی محور مشی می‌کنند؛ در نتیجه بسیاری از احادیث کتاب الحجۃ کافی از درجه اعتبار ساقط می‌شوند. در اواسط سده، به ویژه در دهه پنجاه به بعد،



فکر پالایش سندی احادیث و اعتبارسنجی راوی محور، البته براساس انگیزه‌های صحیح و مبانی دقیق علمی و بدون کوچک‌ترین تعرض نسبت به مقامات امام از حوزه نجف، با انتشار کتاب معجم رجال الحدیث نشأت گرفت و تا اندازه‌ای در حوزه‌های علمیه نهادینه و منهج غالب شد. بعدها شاگردان این مکتب، در این راه افراط کرده و به آن دامن زدند. در لبنان هاشم المعروف الحسنی (م ۱۳۶۳) با نگارش دو کتاب الحدیث و المحدثین و الموضوعات فی الآثار و الاخبار، در افغانستان آیت الله آصف محسنی (م ۱۳۹۸) با نگارش کتاب مشرعة بحار الانوار در دو جلد و معجم الاحادیث المعتبرة در شش جلد، این نگاه را گسترش دادند. در قم محمدباقر بهبودی (م ۱۳۹۳)، با نگارش کتاب صحیح الکافی و حیدر حب الله (ت ۱۳۵۱ در صور لبنان و دانش آموخته قم) با نگارش کتاب المعتبر من بحار الانوار در سه جلد، نهضت حذف احادیث امامیه را توسعه دادند. هرچند این دسته از عالمان و نویسندگان بسیاری از احادیث را کنار گذاردند، ولی تاکنون فروگاهی قابل توجهی در مسئله امامت از آنان مشاهده نشده است و نمی‌توان و نباید بی‌جهت نسبت فروگاهی مقامات امام به عالمان امامیه یا برخی نویسندگان داد. با این حال، باید توجه داشت که مبانی و روش علمی آنان خواه‌ناخواه، مستلزم حذف روایات مقامات امام و حذف آنها مستلزم عدم باور به این مقامات است؛ چراکه همگان مکلف به معرفت امام هستیم و یگانه‌سند و منبع تفصیلی دریافت مقامات امام، احادیث است و در کشف تفصیلی مقامات، راهی به جز رجوع به احیث منابع معتبر امامیه مانند کافی، بصائر، کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی وجود ندارد. در نتیجه با حذف این دست احادیث راهی به جز چشم‌پوشی و دست‌کشیدن از مقامات امام باقی نمی‌ماند؛ زیرا نمی‌توان بدون علم، دلیل و مستند باورمند به معرفتی شد. به ویژه وقتی که در حجیت خبر واحد در اعتقادات و در تواتر معنوی و اجمالی روایات مقامات و جبران ضعف سندی آنها با ادله دیگر مناقشه شود (برنجکار، ۱۳۹۳: ۵۳-۸۴). قاطبه عالمان امامیه از هنگام نگارش کافی همگی بر اعتبار آن اذعان نموده‌اند و در این باره تألیفاتی پدید آمد (ر.ک: مفید، ۱۳۸۷: ۷۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵:



۳۷۷؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۹۳؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱۸۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳/۴۶۳؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۳۲: ۱۲۱، ۱۳۳ و ۱۵۹؛ همو، ۱۴۲۶: ۳۲/۱؛ داوری، ۱۴۲۶: ۱/۶۷).<sup>۱</sup> با اینکه کلینی حجم روایاتی که در کتاب الحجة کافی به امامت اختصاص داده، از سایر کتاب‌ها و ابواب، بسیار گسترده‌تر است؛ ولی با این حال آن را کافی نمی‌داند و معتقد است باید کتاب مستقلی پیرامون امامت بنگارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۱). این نشان‌دهنده آن است که کلینی از چه حجم انبوهی، مقدار اندکی از روایات امامت را در کافی انتخاب کرده و در این گزینش چه دقتی به خرج داده است. از این رو نباید به سادگی از این روایات گذشت و مبانی و روش‌های علمی پیش‌گفته نیازمند بازنگری و تأمل است. برخی مبانی و روش‌های علمی را دستاویزی برای اندیشه فروگاهی مقامات قرار می‌دهند. در دو دهه پایانی سید کمال حیدری (ت ۱۳۳۳ در کربلا) در کتاب میزان تصحیح الموروث الروایی و نیز در درس‌گفته‌های خود و احمد قپانچی در کتاب تهذیب احادیث الشيعة و ترجمه کتب ضد حدیثی منحرفان امامت مانند برقی، قلمداران و سید مصطفی طباطبایی، بخش وسیعی از احادیث را کنار گذاشتند که بسیاری مرتبط با مسائل امامت است. آنان با خدشه در سلسله اسناد احادیث امامت یا خدشه در منابع حدیثی، یا اتهام غلو و یا اتهام جعل حدیث، مقامات و صفات الهی که در منابع حدیثی برای امام تبیین شده بود را مورد تردید قرار دادند. این فروگاهی را می‌توان در کتبی مانند تشیع العوام و تشیع الخواص نوشته احمد قپانچی، مشکلة الحدیث اثر یحیی محمد، حدیث‌های خیالی، عصای موسی و غلوسه نوشته صالحی نجف‌آبادی و نیز مقاله «تأملی در منابع اعتقادی» نوشته محسن کدیور به وضوح مشاهده کرد. وقتی این تفکر به اوج خود می‌رسد که این فروگاهان به نوعی قرآن‌بسنده هم دچار شده باشند و دانه‌دانه، عین مقاماتی که در احادیث تبیین شده است را از قرآن مطالبه کنند! به هر روی این رویه سبب شد تا در کنار دیگر

۱. مشهور است که آیت الله نایینی رحمته الله علیه در مجلس درسشان می‌فرموده‌اند: «إن المناقشة في أسناد روایات الکافی حرفة العاجز؛ انتقاد از سندهای احادیث کتاب کافی پیشه کسانی است که [در علوم حدیث‌شناسی] درمانده‌اند.» (ر.ک: خوبی، بی‌تا: ۸۱/۱)

طیف‌های فروگاه، خط فروگاهان حدیث پژوه نیز در حوزه پدید آید.

حرکت‌های پراکنده‌ای در گوشه‌وکنار حوزه علمیه قم در دفاع از میراث حدیثی امامیه و نقد این جریان آغاز شده و در حال رشد و رو به انسجام است. پژوهش و انتشار آثاری همچون استناد در روش شناخت رجال اسناد، با اشراف آیت الله سید محمد جواد شبیری زنجانی، اعتبارسنجی احادیث شیعه اثر سید علیرضا حسینی شیرازی، بحوث فی مبانی علم الرجال اثر آیت الله محمد سند بحرانی، بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه نوشته جمعی از نویسندگان، اصالت حدیث شیعه در موضوع مقامات ائمه، پایان‌نامه دکتری رضا قربانی زرین و آثار حدیث پژوهانه مؤسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام مانند روایت کتاب محور احادیث شیعه، گستردگی و انواع تلقی حدیث در دوران نخستین، قرائن اعتبار نسخ و جاده‌ای، نقش باورهای کلامی در داوری رجالیان متقدم، حدیث و اعتبار کتاب محور، کارکرد روایات در توثیق و تضعیف راویان و نقش نقادی متن در داوری رجالیون متقدم از نخستین گام‌های این حرکت است.

#### ۴-۴. فروگاهان تاریخ‌گرا

خط فکری فروگاهی تاریخی نیز به موازات سه خط پیشین و در یک رابطه هم‌افزایی، جبهه‌ای متحد بر ضد مقامات الهی امامت تشکیل داده و فضایل، معجزات، مناصب، صفات و مقامات فرابشری اهل بیت علیهم‌السلام را مورد تردید قرار دادند. فروگاهی تاریخی در دو شعبه دنبال شد؛ یکی در میان دانش‌آموختگانی از قم با رویکرد استشراقی به مباحث امامت، مانند مدرسی طباطبایی در کتاب مکتب در فرایند تکامل که با مبانی و شیوه‌ای خاص به دنبال اثبات برساخته بودن صفات، مناصب و مقامات امام به دست اصحاب ائمه، دشمنان شیعه، یا غلات بود (فرمانیان و صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸). شعبه دیگر فروگاهان تاریخی، در قم شکل گرفت و با وجود برخی مراکز و مؤسسات علمی، نظیر «دانشگاه ادیان و مذاهب»، به سرعت توسعه یافت. تاریخ‌گرایان در قم، از یک سو مفاهیم و آموزه‌های کلامی حدیثی





امامت را در تقابل با گزارش‌های تاریخی کنار گذاردند و در نتیجه، مثلاً علم امام را محدود یا عصمت امام را مقید کردند و از سوی دیگر، بسیاری از رخدادها و تاریخ زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام یا شعائر و موضوعات مرتبط با امامت را مورد تردید قرار داده یا توجیهات نامطلوبی برای آنها به دست دادند. برای مثال، برخی از اینها، صدور لعن از معصومان را پذیرفته؛ ولی دست به توجیه زده و لعن‌های صادرشده را در حد نفرین‌های عرفی تنزل داده و معتقدند هیچ ثمره کلامی نمی‌توان بر آنها بار کرد. در بخش دیگری از فروگاهی تاریخی، حوادث تاریخی که سبب اثبات مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام هستند و ظلم‌های روا داشته شده به اهل بیت علیهم‌السلام که در گزارش‌های تاریخی انعکاس یافته، تقلیل می‌یابد و در مواردی مرثیه‌های آن انکار می‌شود. انکار این مرثی و ظلم‌ها از یک سو معرفت درست و برائت از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را کاهش می‌دهد و از دیگر سو، به نوعی چهره دشمنان را از این فضاویح تطهیر کرده و پلیدی آنان را فرومی‌کاهد. مانند آنکه برخی شهادت حضرت محسن را مورد خدشه قرار می‌دهند (الله‌اکبری، ۱۳۸۸) و برخی نیز در رخدادهای حادثه عاشورا نقاش‌هایی کرده‌اند (خادمی، ۱۳۸۹). اشتباه روشی امامت‌پژوهی تاریخی این طیف از سویی اعتماد به اخبار عامه و منابع اهل تسنن و رجوع اندک به منابع شیعی است (الله‌اکبری، ۱۳۸۸)؛ تا آنجا که برای فهمیدن اعتقادات شیعه، بر رجوع به منابع اهل تسنن تأکید می‌کنند؛ چراکه به زعم آنان، منابع آنها واقعیت را بهتر انعکاس می‌دهد (فرمانیان و صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۹). از سوی دیگر، برنتابیدن و خدشه‌کردن در منابع تاریخ‌نگاری امامیه و مورد اعتماد ندانستن آنهاست (ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۱۰؛ همو، ۱۳۸۴: ۳۷ و ۳۸؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۲).

اگرچه پژوهش‌های پراکنده‌ای در نقد جریان فروگاهان تاریخی انجام گرفته، ولی هنوز شاهد پژوهش‌های درخور توجه و سازمان‌یافته‌ای نیستیم. با این حال، روش و اندیشه‌های شیخ محمدرضا جعفری و آثار سید جعفر مرتضی‌عاملی، بنیان‌قویمی را برای نقد این جریان پایه‌گذاری کرد و زمینه را برای انشعاب نقد‌های مسئله‌محور و تخصصی، برای نسل بعدی فراهم آورد. برای مثال، آثار و درس‌گفته‌های حجت

الاسلام و المسلمین محمدرضا جباری در این زمینه شایان توجه پژوهشگران است.

#### ۴-۵. فروکاهان وحدت‌گرا

شکی نیست که وحدت و تقریب از راهبردهای اساسی عالمان و دانشمندان روشن‌بین شیعه و سنی و از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و بنیان‌گذار آن، امام خمینی علیه السلام و رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام بوده است. این راهبرد از پشتوانه عقل و شرع نیز برخوردار است. پیرامون تفسیر وحدت و تقریب و راهکار تحقق آن، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است (علیزاده نجار، ۱۴۰۲: ۷۷-۱۰۷؛ اقبالی، ۱۳۸۷: ۱۱۳/۲۶)؛ ولی برخی افراط‌گرایانه، این راهبرد درست را به اشتباه تفسیر کرده‌اند. این طیف در پی آنند که شیعه از برخی عقاید امامتی خود دست بکشد تا تقریب با مذاهب دیگر اتفاق بیفتد. جریان منحرفان امامت و نیز برخی فروکاهان نزدیک به این جریان، بسیار روی وحدت مسلمانان تأکید می‌کنند؛ اما در واقع، آنان منظور پلید خود را در پوشش این واژه خوش‌رنگ پنهان کرده‌اند. منظور جریان منحرفان از این واژه، آن است که بزرگ‌ترین مانع وحدت امت اسلامی، اندیشه‌های شیعی است. آنان در مکتوباتشان به گونه‌ای به مخاطب القا می‌کنند که گویا این شیعه است که با طرح اندیشه امامت به معنای امامیه‌ای آن و باورهای پیرامونی نظیر برائت، زیارت، شفاعت و حاجت‌خواهی از امام، وحدت مسلمانان را شکسته است و برای حل این مشکل، شیعیان باید این‌گونه عقاید را کنار بگذارند تا وحدت اسلامی تحقق یابد (برقی، ۱۴۳۵: ۱۰؛ طباطبایی، بی تا (ب)؛ قلمداران، ۱۳۹۳). رگه‌ای باریک از این نگرش در حوزه علمیه هم نفوذ کرد و از دهه ۷۰ گوشه‌وکنار حوزه صداهایی پراکنده از این جنس شنیده شد. بخشی از تحقیقات و سیاست‌های برخی مراکز علمی، مانند دانشگاه ادیان و مذاهب و نیز اندیشمندانی مانند عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و محمد واعظ‌زاده خراسانی از مراکز و چهره‌های شاخصی هستند که در عین حال که خدمات علمی شایانی داشته‌اند، در مواردی این‌گونه راهبردها را

برای تحقق وحدت تجویز می‌کنند.<sup>۱</sup> این در حالی است که متفکر سترگ انقلاب اسلامی، شهید مطهری علیه السلام منظور از وحدت اسلامی را «متشکل شدن مسلمین در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان» دانسته و می‌گوید:

هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند، همچنان‌که ایجاب نمی‌کند که مسلمین دربارهٔ اصول و فروع اختلافی فی‌مابین، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۵/۳۷-۳۹).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز فرمودند:

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی (هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت) میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولتتنازعوا فتنفسلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.<sup>۲</sup>

علی‌رغم پژوهش‌ها و همایش‌های متعدد، بحث وحدت و تقریب نیز به شکل دقیق، روشن نیست. هنوز جای پژوهش‌هایی که در میان دو لبهٔ پرتگاه افراط و تفریط، خط مستقیمی ترسیم کند و با حفظ عقاید امامت، امت اسلام را یکپارچه در مقابل دشمنان اسلام قرار دهد و از کید و مکر دشمنان حفظ کند، خالی احساس می‌شود. با این حال، پژوهش‌هایی مانند گفتمان امامت، الگویی معرفتی

۱. برای نمونه، رک: <https://www.aparat.com/v/fRJ73>. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳. گفتنی است آیت الله سید علی میلانی در برابر این سخنان موضع تندی گرفتند و از دعوت وی به رسانه ملی انتقاد کردند. رک: <https://www.aparat.com/v/p781737>. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳. برای اطلاع بیشتر، رک: امیری‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۷۷/۴۷-۲۱۰؛ لیاف، ۱۳۸۶.

۲. بیانات معظم‌له در تاریخ: ۱۳۸۵/۵/۳۰ در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21957>. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳.

در تقریب و وحدت از نخستین گام‌های رو به پیش است و یک تئوری روشن و راهکار مشخص ارائه می‌دهد.

## ۶. غلوگرایان و جریان‌های تندرو

رد پای از انحرافات فکری غالیان به شکل گسترده و سازمان‌یافته، در یک صد سال نخست بازتأسیس حوزه علمیه قم پیدا نکردیم؛ با این حال پنج مورد از غلوگرایی یا افراطی‌گری در حوزه امامت، قابل تأمل بوده و نباید از نظر دور بمانند.

الف) کتابی در سال ۱۳۸۲ با عنوان بیان الائمه للوقائع الغریبه و الاسرار العجیبه نوشته شیخ محمد مهدی زین‌العابدین (۱۳۰۰-۱۳۷۸) در هفت جلد با موضوع کلی روایات مهدویت چاپ شد. اگرچه موضوع کتاب مهدویت است، ولی با علم ویژه و معجزات امام هم ارتباط تنگاتنگی دارد. در این کتاب که از منابع گمنام و در مواردی موهوم و یا از منابع اهل تسنن نقل روایت شده، محتوایی نادرست و بعضاً غالیانه از امامت انعکاس یافته است. امامتی که مؤلف در این کتاب به دست داده، از اندیشه امامت کلامی - حدیثی اصیل امامیه فاصله گرفته، در نتیجه دستاویزی برای استناد برخی جریان‌های انحرافی تندرو و غالیانه شده است. از این رو کتاب، مورد انتقاد محافل علمی قم قرار گرفت (کامیابی، ۱۳۹۸: ۴۵/۴۷-۶۹).

ب) از نخستین سال‌های دهه ۸۰، جریانی در میان برخی مداحان و ذاکران شکل گرفت که اندیشه‌های غالیانه را در قالب اشعار و سرودها، در میان جوانان و به ویژه هیئت‌های مذهبی قم و شهرهای اطراف رواج دادند. این جریان نوپا، با صدور فتاوییی از سوی مراجع بیدار و تلاش فعالان فرهنگی و وفات برخی چهره‌های آن و

۱. از باب نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی در چندین فتوا لزوم پرهیز از مطالب کفرآمیز و غالیانه در مجالس ائمه اطهار علیهم‌السلام را گوشزد کرده و ضمن توصیه‌هایی فرموده‌اند: «... ۱۱. از طرح مسائلی که بوی غلو درباره ائمه علیهم‌السلام دین و سایر بزرگان می‌دهد، اجتناب گردد. ۱۲. از مسائلی که بوی کفر می‌دهد، اجتناب شود و حریم خدا، پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام را حفظ کنید (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، استفتانات، رهنمودهای معظم‌له خطاب به مداحان [اشعار، مدیحه و نوحه]، <https://ahkam.makarem.ir/fa/home/istifta/262655>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۱۵). آیت الله العظمی میرزاجواد





بیماری برخی دیگر، رو به افول گرایید. اخیرا چند سالی است که شبیه به همین دسته، اما این بار به سرکردگی برخی حوزویان، جریانی در میان هیئت‌های مذهبی برخی شهرها به ویژه کاشان، مشهد و اصفهان شکل گرفته و اندیشه‌های غالیانه را در میان جوانان هیئتی ترویج می‌نمایند. در مشهد اما اندیشه‌های غالیان توسط طلاب جوان نواخباری تبیین و ترویج می‌شود. برخی سرشاخه‌های این جریان، از میان طلاب تحصیل کرده قمی هستند. در واکنش به فعالیت‌های این غالیان نوظهور، تنی چند از محققان حوزه علمیه قم مانند حجج اسلام حامد رضا معاونیان و سید قاسم علی‌احمدی<sup>۱</sup> اقداماتی روشنگرانه، در قالب فعالیت‌های اجتماعی به ویژه در پیام‌رسان‌ها و سخنرانی‌ها انجام دادند و تا حدودی جلو گسترش تفکر آنان گرفته شد. ولی غمگینانه باید معترف بود که این حرکت‌های انتقادی، فردی و پراکنده بوده و هنوز شاهد پژوهش‌ها و اقدامات نظام‌یافته‌ای از سوی حوزه علمیه قم نیستیم. (ج) خطی از درویش هرچند باریک، اما در قم مشغول به فعالیت بودند. آنان که خود را «فقرای سلسله جلیله نعمت‌اللهی سلطان‌علی‌شاهی گنابادی» معرفی کرده‌اند، به ادعای برخی منابع طرفدار آنان، بیش از ۸۰ سال مشغول به انجام مراسم خود در قم بوده‌اند.<sup>۲</sup> باتوجه به اندیشه‌های انحرافی و غالیانه آنان در مسئله امامت، وجود چنین فکری در قم وقتی بیشتر تأمل برانگیز می‌شود که آنان علنی و آزادانه در حسینیه‌ای، در نزدیکی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و در همسایگی بیوت مراجع و علما، به تشکیل محافل و ترویج اندیشه‌های خود پرداختند. گفتنی

تبریزی هم در پاسخ به این استفتا فرموده‌اند: «[سؤال] ۲۱۰۸ - بعضی مداح‌ها و ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در مجالسی که به نام ائمه معصومین علیهم السلام برگزار می‌شود اشعاری بدین مضمون می‌خوانند: من حسین الله‌ایم، ای مظهر احد هو یا علی مدد الله را صمد هو یا علی مدد. جواب: بسمه تعالی، اشعاری که ظاهر آن معانی خلاف شرع است ولو گوینده یا خواننده آن معنای صحیحی را اراده کرده باشد و بخواهد ارادت خود را نشان دهد، خواندن و نشر آن اشکال شرعی دارد و باید طوری اشعار را بخوانند که خدای ناکرده اولاً مورد سوء استفاده بعضی واقع نشود، ثانیاً آنقدر اشعار زیبا و با مضامین عالی وجود دارد که نیازی به خواندن بعضی شعرها که معانی خلاف شرع دارد نیست و الله العالم.» (تبریزی، ۱۳۸۵: ۲/۵۱۷)

۱. وی به تازگی کتابی با عنوان ولایت تکوینی و مسئله خلق و رزق، در مقابل این جریان منتشر کرده است.

۲. پایگاه خبری آفتاب، دلجویی از درویش قم، <https://aftabnews.ir/fa/news/44396>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸.



است به دنبال فتنه‌گری پیروان این فرقه در قم زیر لوای حسینیه یادشده، در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۸۴ این حسینیه تخریب و اعتراض برخی جریان‌های هم‌سو و حوزویانی همچون حسینعلی منتظری، مهدی کروبی و فاضل میبیدی را به دنبال داشت؛ ولی برخی مراجع تقلید مانند آیت الله العظمی نوری همدانی از تخریب آن حمایت کردند. حوزه علمیه قم از دیرباز فعالیت‌های متعددی در تقابل با جریان تصوف به صورت عام انجام داده است؛ ولی گستردگی تبلیغات تصوف در ایران سبب شد تا پس از انقلاب اسلامی، مراکز علمی و آموزشی در حوزه علمیه قم تأسیس شود. این مراکز با تربیت محققان و اساتید و انتشار کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و برگزاری دوره‌های تخصصی و پودمانی، سبب روشنگری‌های گسترده‌ای برای عموم جامعه شدند.<sup>۱</sup> برگزاری همایش علمی «تصوف، شاخصه‌ها و نقدها» در دفتر تبلیغات اسلامی که با استقبال گسترده محققان و اساتید حوزه و دانشگاه مواجه شد، یکی دیگر از فعالیت‌های حوزه علمیه در مقابل جریان تصوف فرقه‌ای است.

د) احمد بن اسماعیل گاطع، زاده ۱۳۴۷ در بصره، دانشجویی بود که در حوالی دهه ۷۰ به عنوان یکی از مدعیان مسائل مهدویت شناخته شد. ادعای‌های دروغین وی، سید یمانی بودن، از اولاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن، نخستین مهدی از مهدیان نسل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ملاقات و باییت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و... است. این مدعی دروغین در عراق و برخی کشورهای خلیج فارس و برخی نقاط ایران، مانند خوزستان و خراسان رضوی برای خود پیروانی پیدا کرد. این جریان انحرافی و غالیانه، در اقدامی تعجب‌برانگیز توانست برخی طلاب جوان حوزه علمیه قم را به خود جذب کند و به تبلیغ و ترویج اندیشه‌های خود در این حوزه دامن بزند. حوزه علمیه قم مرزبانانه

۱. دفتر تبلیغات اسلامی که رویکرد مسئله‌محوری را اتخاذ کرده، در سال ۱۳۹۲ طرح تأسیس قطب‌های فکری و فرهنگی را تصویب و ابلاغ نمود. یکی از سرآمدترین آنها، قطب تعمیق ایمان دینی و مواجهه با فرق انحرافی است که تاکنون دوره‌هایی برای تربیت متخصصان برگزار نموده است که یکی از مهم‌ترین آنها نقد تصوف است. از دیگر مراکزی که به برگزاری دوره‌های تخصصی نقد فرق انحرافی ازجمله تصوف اقدام می‌کند، مؤسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین علیه السلام در مدرسه امام باقرالعلوم علیه السلام تحت اشراف آیت الله العظمی وحید خراسانی است.

در مراکز مختلفی نظیر بنیاد فرهنگی مهدویت و دفتر تبلیغات اسلامی، به برگزاری دوره‌های آموزشی و پژوهشی و تربیت اساتید و انتشار آثار متعددی در نقد جریان احمد بن اسماعیل و سایر مدعیان دروغن و فرق انحرافی اقدام نمود و تا اندازه قابل قبولی جلو رشد و گسترش آنان را گرفت.

هـ) چند سال پس از وفات آیت الله سید محمد حسینی شیرازی در سال ۱۳۸۰ که خود دانشمندی روشن‌اندیش و پرکار در عرصه امامت بود، جریانی از سوی برخی منتسبان به ایشان در قم شکل گرفت. این جریان که در خارج از کشور بسیار گسترده و با نفوذ بیشتری عمل می‌کرد، مسائل مربوط به امامت و شعائر آن را متفاوت با رویکرد رسمی حوزه علمیه قم تبلیغ و چهره‌ای تند از شیعه به جهان نشان می‌داد. از سوی دیگر، اشخاصی مانند حسن الله‌یاری از طلاب افغانستان و ساکن آمریکا و یاسر الحیب، طلبه ساکن انگلستان و برخی افراد منتسب به این جریان، به ترویج این رویکرد پرداخته و بسیار تندتر به آن دامن زدند. این گروه با اقدامات و مناسبات و ایجاد ارتباطاتی در سطح جهانی مانند تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، توانست به سرعت در عراق و پاره‌ای از کشورهای عربی خلیج فارس پیروانی به سوی خود جلب کند. با گذشت مدت زمان اندکی، چهره‌هایی از این جریان، در مقابل مراجع قم و نجف جبهه گرفتند و با هتاکی و توهین‌های فراوان به مراجع، ایشان را به عنوان ناپسند و ناشایستی متهم نمودند. گذشته از مسائل سیاسی و نزاع‌های درون‌حوزوی، ویژگی این جریان، دست‌گذاشتن روی نقاط حساس باورهای اهل تسنن و جریحه‌دار کردن احساسات آنان، برانگیختن خشم اهل تسنن علیه شیعیان، ایجاد تفرقه و دشمنی میان شیعه و اهل تسنن و اظهار و تبلیغ نامعقول برخی مسائل مربوط به امامت به ویژه در مسئله برائت، مقابله با وحدت، ترویج گسترده قمه‌زنی و تندروی در این دست مسائل بود. ابهامات و تردیدهایی پیرامون حمایت‌های مالی و سیاسی دولت انگلستان و سایر دشمنان مکتب شیعه با هدف ایجاد تفرقه و شکاف میان جامعه تشیع و نمایاندن چهره‌ای منفور از امامت اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه در شاخه‌های خارجی این جریان وجود دارد. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله



خامنه‌ای علیه السلام با تبیین تفکر و راهبرد این جریان، راه آنان را باطل و مطرود اعلام کرده و این جریان را «شیعه انگلیسی» نامیدند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی امامت باوری و امامت پژوهی در جلوگیری از انحراف جوانان به ویژه طلاب جوان، هدایت پژوهش‌ها و تدریس‌ها، و از همه مهم‌تر در تصمیم‌سازی مدیران حوزوی و مراکز تخصصی و در شناخت دقیق سره از ناسره در مسائل امامت بسیار مؤثر است. در این زمینه به جهت اهمیت حوزه علمیه قم در نقش‌آفرینی در دانش‌های دین پژوهی و تولید نیروی انسانی دین پژوه، به شناخت جریان‌هایی اقدام شد که در یک صد سال نخست بازتأسیس حوزه علمیه قم، از خط اصیل امامت کلامی - حدیثی شیعه جدا شده یا به گونه‌ای از آن فاصله گرفته و ره تفریط و تقصیر را پیش گرفتند و یا از آن پیشی گرفته و افراط ورزیدند و هر یک اعوجاج‌هایی را در امامت پژوهی و امامت باوری ایجاد کردند. پژوهش حاضر نه فقط از جهت تاریخ پژوهی اهمیت دارد، بلکه از آن رو بیشتر ضرورت پیدا می‌کند که هر سه جریان امتداد پیدا کرده و در استان‌هایی از کشور در حال نشر و جذب هستند.

بنیان‌های جریان انحرافی امامت را می‌توان در پنج رخداد گسترش و نفوذ فرقه شیخیه، بایبه و بهائیه از یک قرن پیش از شکل‌گیری حوزه علمیه قم، توسعه نفوذ تشکیلات فراماسونری و تأثیرگذاری آن به ویژه در دو حکومت پهلوی، پدیده شوم عالمان درباری و قرارگرفتن آنان در پیش‌برد اهداف رژیم پهلوی، اختلالات روان‌شناختی شخصیتی و وجود رذایل اخلاقی در برخی چهره‌های منحرفان و پیشینه فقر و تنگدستی در برخی از آنان دانست. بنیان‌گذاران آن، سه شخصیت در تهران به نام‌های شیخ هادی نجم‌آبادی، سید اسدالله خرقانی و شریعت سنگلجی هستند. این جریان در قم به خاطر خویشاوندی و رفاقت علی‌اکبر حکمی‌زاده با

۱. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله خامنه‌ای، کلیدواژه تشیع انگلیسی، -con-tag/farsi.khamenei.ir/https://

۱۳۱۷۶?id=tent، تاریخ رجوع: ۷ خرداد ۱۴۰۳.



برخی منحرفان تهران و شرکت در برخی مجالس وابسته، رقم خورد و در ادامه در اواسط سده، با فعالیت‌های تبلیغی و انتشار کتبی از سوی حیدرعلی قلمداران و سید ابوالفضل برقی، قدرتمندتر بروز کرد. حوزه علمیه نیز در مقابل این اندیشه موضع گرفت و به نقد آن پرداخت. جریان منحرفان امامت با خطاهای روشی که در امامت‌پژوهی داشتند، از باورهای امامیه جدا شدند و بسیار به اندیشه سلفیه اهل تسنن نزدیک شدند.

جریان دوم، فروکاهان باورهای امامتی هستند. در میانه سده، صالحی نجف‌آبادی کتاب شهید جاوید را منتشر کرد و به خاطر حل مسئله رفتن امام حسین علیه السلام به محل شهادت و القای در تهلکه، به گونه‌ای علم پیشین امام به شهادت خود را انکار کرد و این مسئله را به انکار علم غیب امام تعمیم داد. این رخداد و کتبی که جریان منحرفان هم‌زمان منتشر کردند، با رواج اندیشه روشنفکری غرب‌زده، زمینه‌ای برای پایه‌گذاری جریان فروکاهان ایجاد شد. هرچند جریان فروکاهان از دایره امامیه خارج نشد، ولی از مناصب، صفات و مقامات امامت و رخدادهای تاریخی و مسائل مرتبط با امامت فروکاست. می‌توان این جریان را به خاطر مبانی علمی و انگیزه‌های گوناگونش در پنج طیف سیاست‌ورزان و نظروورزان سیاسی، روشنفکران غرب‌زده، حدیث‌پژوهان، تاریخ‌گرایان و وحدت‌گرایان افراطی دسته‌بندی کرد. سه عامل سبب دوام و اندکی توسعه این جریان شد؛ یکی ممزوج شدن سه فکر جریان انحرافی، تفکر صالحی و روشنفکری غرب‌زده با یکدیگر و در نتیجه تعدیل آن و خریدار پیدا کردن آن در میان قشر دانشگاهی، دوم وجود طیف‌های گوناگون درون‌جریانی که اқشار گوناگون را پوشش می‌داد و سوم اینکه جریان فروکاه برخلاف جریان منحرفان، در میان جامعه شیعه ایران، اصل امامت شیعی را منکر نمی‌شد و مرز فکری خود را با اهل تسنن حفظ می‌کرد. جریان فروکاهان برخلاف جریان منحرفان، از انسجام اندیشه‌ای و روشی برخوردار نیست؛ از این رو شدت و ضعف فراوانی در فروکاهی مسائل امامت دارند؛ برخی آنقدر در این راه افراط کرده‌اند که به جریان‌های منحرف نزدیک شده‌اند و فروکاهی پاره‌ای آنقدر اندک است که به خط اصیل امامیه نزدیک‌اند و



در این بین، مراتب فراوانی از فروگاهی مشاهده می‌شود. جریان سوم، جریان غلوگرا و افراطی است که خطوطی در دل دارد؛ خطی که دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام دچار غلو شده‌اند، دراویش و صوفیان، مدعیان دروغین که انسان‌های معمولی را به شکلی به امام منتسب می‌کنند؛ مانند آنکه نسبت فرزندی یا نیابت به او یا صفات مخصوص امام را به او نسبت می‌دهند و گاه شخص مدعی را تا امامت هم بالا می‌برند، و در پایان خطی که بدون تقیه اندیشه‌های امامیه را با چهره‌ای خشن و عریان در سطح جهانی بی‌پروا اظهار می‌کند. این خط با وحدت مقابله کرده و در اظهار شعائر شیعی یا تندروری می‌کند و یا شعائر برساخته‌ای مانند قمه‌زنی را در سطح جهانی نمایان می‌کنند و چهره‌ای خشن از شیعه، در اذهان جهانیان منقوش می‌کند.

نوشتار حاضر سخن آخر نیست، بلکه آغازی است تا در پژوهش‌های آینده ریشه‌ها و عوامل پیدایش، عوامل توسعه و گسترش یا افول، پیامدها و نیز مبانی علمی، اندیشه‌ها و روش‌ها و همچنین مصادیق و چهرها و جغرافیا و اطلس و امتداد هر یک از جریان‌ها و طیف‌های مختلف آنها واکاوی، تبیین و تحلیل شوند. همچنین نیاز است در پژوهش‌هایی اقدامات، شیوه‌ها، چهره‌ها و آثاری که در نقد این جریان‌ها به وجود آمدند، شناسایی و معرفی شوند.



## منابع

۱. ابوالحسنی (منذر)، علی، (۱۳۸۴ش)، شیخ ابراهیم زنجانی، زمان، زندگی، خاطرات، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق)، فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الاستخارات، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۳. افضلی، محمدعلی، (۱۳۹۷ش)، شیخیه و غلو در موضوع امامت، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. اقبالی، محمدطاهر، (۱۳۸۷ش)، «برداشت‌های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه (طلوع سابق)، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۱۱۳-۱۳۰.
۵. الله اکبری، محمد، (۱۳۸۸ش)، «محسن بن علی»، مجله طلوع، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۵۹-۹۰.
۶. —، (۱۳۸۶ش)، «ازدواج ام‌کلثوم با عمر از نگاه فریقین»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۲۳، ص ۳-۲۸.
۷. امیری فرد، محسن، (۱۳۸۹ش)، «استحاله‌گرایی در تعامل شیعه با مخالفان مذهبی»، نشریه هفت آسمان، ش ۴۷، ص ۱۷۷-۲۱۰.
۸. بدلا، سید حسین، (۱۳۷۸ش)، هفتاد سال خاطره از آیت الله سید حسین بدلا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. بدون نام، (بی‌تا)، میراث حدیث در تلاطم، (جریان‌شناسی نقد میراث حدیثی شیعه در دوران معاصر)، بی‌جا: بی‌نا.
۱۰. برقی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۷ش)، اصول دین از نظر قرآن مستند با آیات، تحقیق و تصحیح اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، بی‌جا: انتشارات حقیقت.
۱۱. —، (۱۴۳۵ق)، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، ریاض: دارالعقیده للنشر والتوزیع.
۱۲. —، (۱۴۱۹ق)، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، مترجم عبدالرحیم ملازاده بلوچی، باعنوان: کسر الصنم، عمان: دارالبیارق.



۱۳. — (بی تا) (الف)، بررسی خطبه غدیریه، بی جا: بی نا.
۱۴. — (بی تا) (ب)، بررسی علمی در احادیث مهدی، بی جا: بی نا.
۱۵. — (بی تا) (ج)، تابشی از قرآن، بی جا: بی نا.
۱۶. — (بی تا) (د)، خرافات وفور در زیارات قبور، بی جا: بی نا.
۱۷. — (بی تا) (ه)، (۱۳۹۴ ش)، درسی از ولایت، بی جا: بی نا.
۱۸. — (بی تا) (ه)، زیارت و زیارت نامه، بی جا: بی نا.
۱۹. — (بی تا) (و)، (۱۳۸۷ ق)، سوانح ایام، ریاض: دارالآل و الصحب.
۲۰. — (بی تا) (ز)، (۱۴۳۵ ق)، عقیده اسلامی، ترجمه کتاب العقیده الاسلامیة تألیف محمد بن عبدالوهاب، ریاض: دارالعقیده للنشر و التوزیع.
۲۱. برنجکار، رضا، (۱۳۹۳ ش)، روش شناسی علم کلام اصول استنباط و دفاع در عقاید، تهران: سمت.
۲۲. تبریزی، جواد، (۱۳۸۵ ش)، استفتاءات (تبریزی)، قم: سرور.
۲۳. جبرئیلی، محمدصفر و کرمی بروجنی، حسین، (۱۳۹۶ ش)، «نقد و بررسی جایگاه نص امام در اندیشه شیعیان التقاطی»، اندیشه نوین دینی، ش ۵۱، ص ۷-۲۴.
۲۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۷ ش)، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
۲۵. — (بی تا) (ح)، (۱۳۸۸ ش)، «یازده سند درباره مدارک تحصیلی روحانیون از دوره پهلوی اول»، پیام بهارستان، ش ۳، ص ۶۵-۸۰.
۲۶. جمعی از پژوهشگران، (۱۴۰۲ ش)، ریشه ها و اندیشه ها (نقد اندیشه سلفی گری ایرانی)، قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.
۲۷. — (بی تا) (ط)، (۱۴۰۳ ش)، فهرست منابع امامت (پایان نامه ها)، قم: انتشارات امامت اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.
۲۸. — (بی تا) (ث)، (۱۴۰۳ ش)، فهرست منابع امامت (مقالات)، قم: انتشارات امامت اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.





۲۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲-۱۳۹۸ش)، نقد اندیشه سلفی‌گری ایرانی (مجموعه ۶ جلدی)، قم: سه انتشارات معارف اهل بیت الطاهرين عليهم السلام و بنیاد فرهنگی امامت.
۳۰. چگینی، رسول، (۱۳۹۶ش)، جریان‌شناسی سلفی‌گری ایرانی، قم: سفیر سلامت.
۳۱. حسینی حنیف، سید احمد و توسلی، علی، (۱۳۹۷ش)، روش‌های تشخیص اعتبار احادیث بحار الانوار براساس نظر آیت الله محمد آصف محسنی، قم: دلیل ما.
۳۲. خادمی، محمد، (۱۳۸۹ش)، بزرگ‌ترین مصیبت عالم، قم: مجمع جهانی شیعه‌شناسی.
۳۳. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۰ش)، جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
۳۴. خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۹ش)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۵. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، کشف الاسرار، قم: انتشارات آزادی.
۳۶. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۹ق)، معجم رجال‌الحديث، نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت نور.
۳۷. داوری، مسلم، (۱۴۲۶ق)، اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، قم: مؤسسه المحبین للطباعة والنشر.
۳۸. رائین، اسماعیل، (۱۳۷۸ش)، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران: رائین.
۳۹. ستوده، امیررضا، (۱۳۸۰ش)، پایه پای آفتاب، تهران: پنجره.
۴۰. شاه‌آبادی، حمیدرضا و دیگران، (۱۳۹۶ش)، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، تهران: سوره مهر.
۴۱. شریعت سنگلجی، محمدحسن، (۱۳۸۶ش)، توحید عبادت، یکتاپرستی، ریاض: بی‌نا.
۴۲. صحتی سروردی، محمد، (۱۳۸۴ش)، عاشوراپژوهی، قم: انتشارات خادم‌الرضا علیه السلام.
۴۳. صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۶ش)، «بررسی دو اثر تاریخی‌نگاری شیخ صدوق»، تاریخ‌پژوهان، ش ۱۰، ص ۱۶۶-۲۰۷.

۴۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴ش)، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الإمامة»، نشریه علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۲۳-۲۴۰.
۴۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ش)، «الارشاد و تاریخ نگاری زندگانی ائمه علیهم السلام»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال ششم، ش ۲۲، ص ۳۷-۷۶.
۴۶. طباطبایی، سید مصطفی (الف)، (بی تا)، راهی به سوی وحدت اسلامی، بی جا: بی نا.
۴۷. \_\_\_\_\_ (ب)، (بی تا)، قرآن بدون حدیث هم قابل فهم است، بی جا: بی نا.
۴۸. \_\_\_\_\_ (ج)، (بی تا)، نقد کتب حدیث، بی جا: بی نا.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۵۰. علی احمدی، سید قاسم، (۱۴۰۳ش)، ولایت تکوینی و مسئله خلق و رزق، قم: رزق.
۵۱. عزیززاده نجار، مرتضی، (۱۴۰۲ش)، گفتمان امامت الگویی معرفتی در تقریب و وحدت، قم: نشر معارف اهل بیت الطاهیرین علیهم السلام.
۵۲. عیدی، مجتبی، (بی تا)، «مناسبات کلام و تاریخ در اندیشه امامیه با تأکید بر تعارضات در اوصاف امام»، پایان نامه دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
۵۳. فرمانیان، مهدی و صادقی کاشانی، مصطفی، (۱۳۹۴ش)، نگاهی به تاریخ تفکر امامیه از آغاز تا ظهور صفویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۴. فقهی زاده، عبدالهادی و هادیان، مهدی، (۱۳۹۸ش)، «تحلیل انتقادی دیدگاه های موضوع انگارانه موجود درباره زیارت جامعه کبیره»، پژوهش دینی، ش ۳۸، ص ۱۵۷-۱۸۸.
۵۵. قربانی زرین، رضا، (۱۳۹۳ش)، «اصالت حدیث شیعه در موضوع مقامات ائمه علیهم السلام»، پایان نامه دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
۵۶. قلمداران، حیدرعلی، (۱۳۹۴ش)، ارمان آسمان، بی جا: انتشارات عقیده.
۵۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۳۵ق)، خلافت و امامت، ریاض: دارالعقیده للنشر والتوزیع.
۵۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵ش)، راه نجات از شر غلات، بی جا: انتشارات عقیده.



۵۹. ———، (۱۳۹۳ش)، شاهراه اتحاد، بررسی نصوص امامت، بی جا: انتشارات عقیده.
۶۰. کامیاب، محسن، (۱۳۹۸ش)، «نقد کتاب بیان الائمه للوقائع الغريبة و الاسرار العجيبة با تأکید بر علائم الظهور»، نشریه مطالعات مهدوی، ش ۴۵، ص ۴۷-۷۱.
۶۱. کسروی، سید احمد، (۱۳۲۲ش)، ورجاوند بنیاد، تهران: بی نا.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۶۳. کیانی، محمد قربان و همکاران، (۱۴۰۱ش)، «واکاوی دیدگاه‌های دگراندیشان دینی دوره پهلوی اول و نقش حکومت در گسترش آن در سطح جامعه»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ش ۱۱، ص ۱۰۸۲-۱۰۹۶.
۶۴. لباف، علی، (۱۳۸۶ش)، درسنامه قرائت‌های وحدت اسلامی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۶۵. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۷۹ش)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو.
۶۶. محمدی، رمضان و دیگران، (۱۳۹۸ش)، تاریخ اسلام ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶۷. محمدی فام، فریدون (حسین)، (۱۳۹۷ش)، قرآن بسندگی، قم: دارالإعلام لمدرسة اهل البيت عليه السلام.
۶۸. مدرسی طباطبایی، سید حسین، (۱۳۷۴ش)، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدینا، نیوجرسی: مؤسسه انتشارات داروین.
۶۹. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۹۳ش)، آیت الله العظمی علی اکبر فیض مشکینی به روایت اسناد ساواک، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۷۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵، قم: صدرا.
۷۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، تصحیح اعتقادات الإمامية، قم: کنگره شیخ مفید.
۷۲. ملک‌زاده، محمد، (۱۳۹۶ش)، بررسی و نقد مبانی فکری و اعتقادی جریان شبه سلفی در ایران با تأکید بر آراء و عقاید مصطفی طباطبایی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عليه السلام.
۷۳. ———، (۱۴۰۱ش)، جریان شبه سلفی در ایران با تأکید بر نقد آرای حیدرعلی قلمداران، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عليه السلام.

۷۴. موسوی، سید محمد مهدی، (۱۴۰۲ش)، امامت (نقد اندیشه سلفی گری ایرانی)، قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرين عليهم السلام.
۷۵. نبوی رضوی، سید مقداد، (۱۳۹۶ش)، اندیشه اصلاح دین در ایران، تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
۷۶. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفة.
۷۷. نجفی، سید محمد باقر، (۱۳۸۳ش)، بهائیان، تهران: مشعر.
۷۸. نجفی، موسی و فقیه حقانی فضل، موسی، (۱۳۸۸ش)، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۷۹. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۳۲ق)، الأعلام الهادیه الرفیعة فی إعتبار الكتب الأربعة المنیعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفة.
۸۰. ———، (۱۴۲۶ق)، مستدرکات علم رجال الحدیث، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفة.
۸۱. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

#### تارنماهای اینترنتی

۸۲. ایازی، سید محمد علی، تفسیر جدید لیبرال های مسلمان از «غدیر» فقط «دوستی»، حکومت و ولایت در کار نیست!، آدرس: <https://www.mashreghnews.ir/news/888744>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۲۱.
۸۳. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، انقلاب فاطمی و تمدن اسلامی، ۶ دی ۱۴۰۱، آپارات، <https://www.aparat.com/v/fRJ73>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۱۸.
۸۴. پایگاه خبری آفتاب، عنوان خبر: دلجویی از دراویش قم، <https://aftabnews.ir/fa/news/44396>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸.
۸۵. روحانی، حسن، وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرد، آن وقت هم می شود نقد کرد.. [www..](http://www..)



mehrnews.com تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳.

۸۶. خاتمی، سید محمد، خاتمی و غدیر، [www.manbarak.ir/tag](http://www.manbarak.ir/tag)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸.

۸۷. خامنه‌ای، سید علی، اتحاد مسلمین به معنای انصراف از عقاید خاص نیست، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21957>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۳.

۸۸. خسروشاهی، سید هادی، خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی، پرتابل امام خمینی، 156330-13 <http://www.imam-khomeini.ir/fa/c>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۲۵.

۸۹. خمینی، سید احمد، تصمیم امام برای نگارش کشف اسرار، پرتابل امام خمینی، search2، [http://www.imam-khomeini.ir/fa/search?language=fa&documentTypes=&txt=&all\\_](http://www.imam-khomeini.ir/fa/search?language=fa&documentTypes=&txt=&all_) clause=&view=list، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۲۵.

۹۰. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ارزیابی روایات و منابع مکتوب امامیه درباره زندگینامه امامان علیهم‌السلام از قرن اول تا پایان نیمه نخست قرن پنجم هجری، سیمای ائمه علیهم‌السلام در منابع کهنه امامیه، سایت دکتر صفری فروشانی، پایان‌نامه‌ها، <https://www.nsfari.ir/106>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۱۶.

۹۱. ———، چرا اهل بیت علیهم‌السلام را دست نیافتنی جلوه می‌دهیم؟، سایت دکتر صفری فروشانی، مصاحبه‌ها، <https://www.nsfari.ir/197>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۱۶.

۹۲. ———، دیدگاه دکتر صفری درباره «شق القمر» و «رد الشمس»، نقدی بر دیدگاه آیت الله خراسان، سایت دکتر صفری فروشانی، نشست‌ها، <https://www.nsfari.ir/231>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۱۶.

۹۳. عالی، مسعود، تحریف غدیر در بهار، <https://tn.ai/175650>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۸.

۹۴. عنوان خبری: بی ادبی عضو شورای شهر به ساحت مقدس عزاداران حسینی / مردی که هنوز خواهان تبریک گفتن به برجام روحانی است!، <https://www.mashreghnews.ir/news/777533>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۲۱.

۹۵. عنوان مقاله: جریان‌های تجدیدنظر طلب در عقاید شیعه؛ شریعت سنگلجی



و سید اسدالله خرقانی، کتابخانه مجازی الفبا، <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=14&GID=185960&ID=235198>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶.

۹۶. مکارم شیرازی، ناصر، عنوان: رهنمودهای معظم له خطاب به مداحان، <https://ahkam.makarem.ir/fa/home/istifta/262655>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۱۵.

۹۷. منتظری، حسینعلی، تاکی باهم بر سر خلیفه اول بجنگیم؟، <http://www.ensafnews.com/7113>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۷/۴.

۹۸. میلانی، سیدعلی، عنوان: دعوت این افراد به صدا و سیما جایز نیست، آپارات، <https://www.aparat.com/v/p781737>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۸/۱۸.

